پژوهشنامهٔ ایرانی سیاست بین الملل، دورهٔ ۱۱، شمارهٔ ۲، شمارهٔ پیاپی ۲۲، بهار و تابستان ۱۴۰۲
دورهٔ انتشار: دوفصلنامه • شاپا چاپی: 2322-3472 • شاپا الکترونیک: 2717-3402
https://doi.org/10.22067/irlip.2022.69352.1046
تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۰۱

مزیت رقابتی قدرت اقتصادی فرانسه در اروپا

ریحانه صالح‌آبادی[1]، سیروس احمدی نوحدانی[2]، ساجد بهرامی جاف[3]

مقالهٔ پژوهشی

چکیده

ارزیابی سطح قدرت کشورها و مقایسهٔ آن‌ها با یکدیگر، یکی از موضوعات موردبررسی در دانش ژئوپلیتیک است. دانش ژئوپلیتیک، به‌معنای استفادهٔ بهینه از منابع جغرافیایی قدرت در مناسبات بین بازیگران است. براین‌اساس، پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که «وضعیت قدرت اقتصادی فرانسه در مقایسه با رقبای منطقه‌ای این کشور چگونه است؟» برای پاسخ‌گویی به این پرسش، از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده و هدف آن نیز کاربردی است. پژوهش حاضر، در دو مرحله انجام شده است؛ به‌این‌ترتیب که ابتدا اطلاعات موردنیاز از طریق مطالعهٔ اسنادی و کتابخانه‌ای گردآوری شد و سپس، اهداف و راهبردهای مهم رسیدن به آن‌ها و قابلیت‌های قدرت اقتصادی فرانسه، وارد نرم‌افزار Meta-SWOT گردید؛ بنابراین، هدف این پژوهش،

واژگان کلیدی:
رقابت‌پذیری، قدرت اقتصادی، اروپا، فرانسه

۱ . دکترای جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی، تهران، ایران
0000-0002-5144-4694 Reyhane.salehabadi@modares.ac.ir
۲ . استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی، تهران، ایران
0000-0001-8944-3411 sahmadi@modares.ac.ir
۳ . دانشجوی دکترای جغرافیای سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، مشهد، ایران
0000-0003-3616-9433 Sajed.bahramijaf@um.ac.ir

بررسی مزیت رقابت‌پذیری قدرت اقتصادی فرانسه در مقایسه با رقبای منطقه‌ای آن در اروپا است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که با توجه به مزیت‌ها و قابلیت‌های فرانسه در مقایسه با کشورهای موردنظر، نوعی رقابت‌پذیری وجود دارد که می‌تواند میزان قدرت اقتصادی فرانسه را با توجه به منابع و قابلیت‌های سایر کشورها در منطقه ترسیم کند. بر پایهٔ این نتایج، مهم‌ترین مزیت‌های قدرت فرانسه در برابر رقبا (نروژ، بلژیک، کرواسی، چک، آلمان، دانمارک، فنلاند، گرجستان، ایتالیا، هلند، لهستان، پرتغال، صربستان، اسلوونی، اسپانیا، سوئد، سوئیس، و انگلیس) ازجمله ظرفیت نوآوری، صادرات فناوری سطح بالا، سطح فناوری علمی، جذب سرمایه‌های خارجی، و اقتصاد دانش‌محور به‌ترتیب، راهبردی‌ترین منابع و قابلیت‌های اقتصادی برای تبدیل شدن به قدرت اقتصادی بوده‌اند و متغیرهایی مانند تردیدها و نااطمینانی مردم از وضعیت اجتماعی و اقتصادی، ساختار اقتصادی موجود، مهار و کنترل نرخ بالای بیکاری، و رشد کند اقتصادی، بادوام‌ترین مشکلات و مسائل فراروی قدرت اقتصادی فرانسه به‌شمار می‌آیند. میزان تسلط بر بازارهای جهانی و سهم در تجارت جهانی با امتیاز 4، شاخص جینی با امتیاز 3/9، تولید ناخالص داخلی و سرمایه‌گذاری خارج از مرز با امتیاز 3/7، پیچیدگی اقتصادی با امتیاز 3/6، و صادرات فناوری‌های سطح بالا با امتیاز 3/5، به‌ترتیب راهبردی‌ترین منابع و قابلیت‌های اقتصادی فرانسه برای تبدیل شدن به قدرت اقتصادی بوده‌اند. نتیجهٔ مقایسهٔ سطح رقابت فرانسه با رقبای اروپایی‌اش نشان می‌دهد که نروژ، انگلستان، آلمان، سوئد، و سوئیس، بالاترین سطح رقابت اقتصادی را با این کشور داشته‌اند.

پژوهشنامهٔ ایرانی سیاست بین‌الملل
دورهٔ ۱۱، شمارهٔ ۲، شمارهٔ پیاپی ۲۲، بهار و تابستان ۱۴۰۲

Investigating the Competitive Advantage of French Economic Power in Europe

reyhane salehabadi[4], sirus ahmadi nohadani[5], sajed bahrami jaf[6]

Abstract

Measuring the level of power of countries and comparing them with each other is one of the topics studied in geopolitical knowledge. Geopolitical knowledge means the optimal use of geographical sources of power in relations between actors. Therefore, the main question of the research is how the economic power of France is compared to its regional competitors? To answer this question, the research method has been used descriptively-analytically and its purpose has been applied. The present study is conducted in two dimensions. In the first stage, the required information was studied through documentary study and libraries. Then, the goals, important strategies to achieve the goals and capabilities of France's economic power were entered into the Meta-SWOT software; Therefore, the purpose of this study is to examine the competitive advantage of French economic power compared to regional competitors in Europe. The results show that according to the advantages and capabilities of France in comparison with the countries in question, there is a kind of competitiveness that can depict the level of economic power of France according to the resources and capabilities of other countries in the region. The obtained results show that the most important advantages of France's power over competitors (Norway, Belgium, Croatia, Czech Republic, Germany, England, etc.) include innovation capacity, high-tech export, scientific technology level, investment attraction. Foreign and knowledge-based economies have been the most strategic resources and economic capabilities to become economic power, respectively. And variables such as doubts and uncertainty that people have about the social and economic situation, the existing economic structure,

4 PhD in Political Geography, Tarbiat Modares University, Faculty of Humanities, Tehran, Iran

5 Assistant Professor of Political Geography, Tarbiat Modares University, Faculty of Humanities, Tehran, Iran

6 PhD student in political geography, Ferdowsi University of Mashhad, Faculty of Literature and Humanities, Mashhad, Iran

controlling high unemployment rates, slow economic growth are considered to be the most persistent problem facing the economic power of France. Global market dominance, global trade share with 4 points, Gini index with 3.9 points, GDP and overseas investment with 3.7 points, economic complexity with 3.6 points, high-tech exports with 3.5 points, respectively, the most strategic France's economic resources and capabilities have been to become an economic power. The comparison of France's level of competition with other European competitors showed that Norway, the United Kingdom, Germany, Sweden and Switzerland had the highest level of economic competition with France.
Keywords: Competitiveness, Economic Power, Europe, France

مقدمه

امروزه با افزایش اهمیت رویکردهای لیبرالیستی که اقتصاد را مهم‌ترین محور روابط بین‌الملل می‌دانند، توجه کشورهای جهان، به‌ویژه کشورهای قدرتمند، به بالا بردن توانایی‌های اقتصادی‌شان به‌منظور بهبود جایگاه سیاسی و ارتقای سطح بازیگری در مسائل جهانی نسبت به رقبای دیگر، افزایش یافته است. اقتصاد در همهٔ ابعاد یک جامعه (سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، و...) اهمیت بسزایی دارد؛ زیرا، استقلال جامعه و قدرت مقاومت آن در مقابل حوادث طبیعی و اجتماعی، شکوه و عظمت یک جامعه در مقابل جوامع دیگر، و ثبات سیاسی آن، به حل مشکلات و رفع کمبودهای اقتصادی آن جامعه بستگی دارد. همچنین، اقتصاد از حساسیت زیادی برخوردار است؛ به‌این‌معنا که یک تصمیم به‌جا و به‌موقع در زمینهٔ امور اقتصادی می‌تواند جامعه‌ای را به‌سوی عظمت و ترقی بکشاند و درمقابل، یک تصمیم نسنجیده و حساب‌نشده موجب شکست، نه‌تنها در بعد اقتصادی، بلکه در بسیاری از زمینه‌ها خواهد شد. افزون‌براین، امروزه قدرت کشورها بر پایهٔ درجهٔ تخصص و پیشرفت آن‌ها در تولید کالاها و خدمات سنجیده می‌شود. در جهان امروز، دولت‌ها به‌جای درگیری و جنگ‌های خونین، از سیاست تحریم اقتصادی برای فشار آوردن به یکدیگر استفاده می‌کنند که تأثیر آن، به‌سرعت و طی چند ماه در نظام اقتصادی کشورها مشاهده می‌شود و بر زندگی میلیون‌ها نفر تأثیر می‌گذارد. برآوردها نشان می‌دهد که در آینده‌ای نزدیک و در ۲۰ سال آینده، قدرت اقتصادی تنها بین ۱۲ کشور دنیا توزیع خواهد شد و کشورهای دیگر برای تأمین نیازهای خود به‌شدت به آن‌ها وابسته خواهند بود. دراین‌بین، بحث قدرت اقتصادی از اهمیت بسزایی برخوردار می‌شود.

درواقع، قدرت اقتصادی یک کشور با مفاهیم گوناگونی همراه بوده است که بحث رقابت اقتصادی، یکی از این موارد است. توسعه و رشد اقتصادی، یکی از ارکان بسیار مهم برای افزایش قدرت اقتصادی کشورها است. بنابراین، امروزه اقتصاد و سازوکارهای مرتبط با آن، تأثیر بسزایی بر قدرت کشورها دارد. با فروپاشی شوروی، نظام بین‌الملل دوقطبی نیز از بین رفت. هم‌زمان با این تحول عمده، زیرساخت‌های نظام بین‌الملل نیز تغییر کرد و فرایند جهانی‌شدن با عنوان حرکت آزاد سرمایه، کالا، خدمات، عقاید، و اندیشه‌ها بر پایهٔ انقلاب در فناوری اطلاعات و ارتباطات، تعریف شد و از دههٔ 1990 به‌این‌سو، با سرعت بیشتری گسترش یافت. این نظام اقتصادی که اساساً بر پایهٔ جهانی‌شدن اقتصاد بازار و تجارت آزاد شکل گرفته است، سیاست‌هایی مانند ضرورت آزادسازی اقتصادی، خصوصی‌سازی، حاکمیت سازوکار قیمت، جذب سرمایه‌های خارجی، تجارت آزاد، و کنار گذاشتن نرخ مبادلهٔ ثابت را مطرح می‌کند؛ بنابراین، این پرسش‌ها مطرح می‌شود که «رشد و توسعهٔ اقتصادی چگونه رخ می‌دهد؟» «چه معیارهایی سبب رشد و توسعهٔ اقتصادی، و توسعه‌یافتگی یا توسعه‌نیافتگی کشورها می‌شود؟» «راهبردهای رسیدن به این توسعه در چارچوب‌های زمانی گوناگون برای افزایش قدرت

اقتصادی، چگونه خواهد بود؟» احتمالاً هنگام بررسی این موضوع، جهانی را تصور می‌کنیم که مردم در آن دارای سطح بالایی از رفاه و آرامش هستند، به کالاهای لوکس دسترسی دارند، و از اوقات فراغت و سرگرمی مناسبی برخوردارند، جامعه به‌دور از هرگونه خشونت است، و تجمل‌پذیری جامعه در سطح بالایی است.

درحالی‌که باید به این موضوع توجه کنیم که قدرت اقتصادی، تنها با ارزیابی میزان درآمد سرانه و تولید ناخالص داخلی کشورها، به‌دست نمی‌آید. اگرچه درآمد و ثروت ملی، یکی از شاخص‌های قدرت اقتصادی است، اما نمی‌توان آن را تنها به عوامل درآمدی مرتبط دانست؛ بنابراین، قدرت اقتصادی، مفهومی چندبعدی و سیال و دارای ابعاد و زمینه‌ها و بسترهای گوناگونی است که یک کشور برای دستیابی به آن باید همهٔ موارد را در ارتباط با یکدیگر و در راستای هم درنظر داشته باشد تا بتواند راهبردها و نقشهٔ راه مناسبی را برای رسیدن به اهداف موردنظر و افزایش قدرت اقتصادی خود به‌گونه‌ای گسترده طراحی کند.

دراین‌بین، دانش ژئوپلیتیک به‌منظور طراحی مناسب‌ترین راهبرد برای رسیدن به اهداف موردنظر کشورها به‌کار گرفته می‌شود. درواقع، دانش ژئوپلیتیک، به‌معنای بهترین استفاده از منابع جغرافیایی قدرت در مناسبات است. امروزه در مباحث ژئوپلیتیکی بر نوع استفاده از منابع جغرافیایی قدرت در روابط بازیگران تأکید می‌شود؛ به‌این‌معنا که امروزه دیگر تنها داشتن منابع جغرافیایی قدرت، به‌دلیل افزایش سطح قدرت و بازیگری سایر کشورها نمی‌تواند ملاک نهایی سنجش سطح قدرت کشورها باشد، بلکه در کنار داشتن منابع جغرافیایی، چگونگی استفاده و بهره‌برداری کشورها از این منابع نیز اهمیت بسیار زیادی دارد و تا حدود زیادی، سطح قدرت بازیگر نیز به توانایی استفادهٔ مناسب از این منابع قدرت بستگی دارد. امروزه ساختار ژئوپلیتیک جهانی که پس از فروپاشی شوروی، تک‌قطبی بوده است، دچار چالش شده و بازیگران پرشمار دیگری در سطح جهانی حضور پیدا کرده‌اند و درحال تغییر ساختار ژئوپلیتیکی جهان هستند. یکی از مهم‌ترین بازیگران فعال در ساختار ژئوپلیتیک جهانی، اتحادیه اروپا و به‌ویژه کشور فرانسه است. در این مقاله تلاش شده است میزان قدرت اقتصادی فرانسه در برابر رقبای منطقه‌ای این کشور بررسی شود. ظرفیت نوآوری، صادرات فناوری سطح بالا، سطح بالای فناوری علمی، جذب سرمایه‌های خارجی، و اقتصاد دانش‌محور، به‌ترتیب راهبردی‌ترین منابع و قابلیت‌های اقتصادی فرانسه برای تبدیل شدن به یک قدرت اقتصادی به‌شمار می‌آیند. درمقابل، متغیرهایی مانند تردیدها و نااطمینانی مردم در مورد وضعیت اجتماعی و اقتصادی، ساختار اقتصادی موجود، عدم مهار و کنترل نرخ بالای بیکاری، و رشد کند اقتصادی، بادوام‌ترین مشکلات و مسائل پیش روی قدرت اقتصادی فرانسه محسوب می‌شوند. مسئلهٔ اصلی پژوهش حاضر، ارزیابی سطح رقابتی بودن قدرت فرانسه در مقایسه با کشورهای نروژ، بلژیک، کرواسی، چک، آلمان، دانمارک، فنلاند، گرجستان، ایتالیا، هلند، لهستان، پرتغال، صربستان، اسلوونی،

اسپانیا، سوئد، سوئیس، و انگلیس است. براین‌اساس، پرسش اصلی مقاله این است که: «مزیت رقابتی قدرت اقتصادی فرانسه در مقایسه با رقبای منطقه‌ای آن (نروژ، بلژیک، کرواسی، چک، آلمان، دانمارک، فنلاند، گرجستان، ایتالیا، هلند، لهستان، پرتغال، صربستان، اسلوونی، اسپانیا، سوئد، سوئیس و انگلیس) چگونه است؟» در پاسخ به این پرسش این فرضیه مطرح شده است که «فرانسه که جزو امپراتوری‌های قدرتمند اروپا بوده است، امروزه نیز به‌دلیل جایگاه سیاسی خود در اروپا و جهان، نسبت به برخی کشورهای دیگر اروپایی مانند سوئد، سوئیس، و... از قدرت اقتصادی بالاتری برخوردار است».

۱. پیشینه پژوهش

سلطانی‌فرد (1397) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیلی سیاستی بر محیط توسعهٔ همکاری‌های تجاری‌ـاقتصادی میان ایران و فرانسه» تأکید می‌کند که مشارکت‌های اقتصادی میان ایران و فرانسه در حوزه‌های پیشنهادی این پژوهش، می‌توانند با ایجاد ارزش‌های مشترک (اشتغال، ثروت، و ...)، منافع فرانسه را به ایران نزدیک و چه‌بسا فرانسه را تاحد چشمگیری به ایران وابسته کنند که با توجه به اهمیت سیاسی ایران و حضور فرانسه در اتحادیهٔ اروپا و شورای امنیت از زاویهٔ پدافند غیرعامل اقتصادی نیز در راستای امنیت ملی قابل ارزیابی است.

شیرازی (1390) در مقاله‌ای با عنوان «بحران اقتصادی و اجتماعی اروپا در هزارهٔ سوم: انگلستان، فرانسه، و آلمان» بیان می‌کند که سه کشور انگلیس، فرانسه، و آلمان به‌لحاظ اقتصادی نسبت به کشورهای دیگر اروپایی در جایگاه برتری قرار دارند؛ هرچند این کشورها به‌دلیل حجم گستردهٔ روابط با آمریکا، از بحران‌های مالی گذشته تأثیر پذیرفته‌اند، اما از همان ابتدا سیاست‌هایی را به‌گونه‌ای جداگانه، مشترک، و حتی در قالب گروه 20 کشور صنعتی جهان، اجرا کرده‌اند که آثار مثبتی داشته است و روند بهبود نسبی اوضاع اقتصادی آن‌ها، همچنان ادامه دارد.

مگالهیس[7] (2018) در مقاله‌ای با عنوان «اقتصاد فرانسه (2015-1830)» روند طولانی‌مدت و الگوهای فرانسه برای استفاده از مواد را برای یک دورهٔ 185ساله بررسی کرده است. این نخستین مطالعهٔ انجام‌شده دربارهٔ جریان مواد در فرانسه در یک دورهٔ طولانی و برپایهٔ داده‌های ملی و سالانه است. تجزیه‌وتحلیل جریان مواد (MFA) در این مقاله به‌طور کامل با استانداردهای فعلی وزارت امور خارجه مطابقت دارد و استخراج، واردات، و صادرات مواد داخلی را دربر می‌گیرد. مقالهٔ یادشده با بررسی تحول متابولیسم فرانسه از صنعتی شدن به سرمایه‌داری مالی، به این نتیجه رسیده است که مصرف مواد خانگی در این دوره 9 برابر افزایش یافته است و همچنین، فرانسه شاهد افزایش سرانهٔ استفاده از مواد و رشد چشمگیر منابع (سوخت‌های فسیلی و مواد معدنی) و مواد بیوتیک بوده است. این مقاله با استفاده از یک چارچوب بوم‌شناختی جهانی، مسیر

7 . Magalhães

متابولیکی خاصی را نشان داده و تأکید کرده است که فرانسه کشوری است که از نظام‌های جهانی پی‌درپی برای توسعۀ اقتصادی خود از طریق واردات گستردۀ مواد بهره‌مند می‌شود.

روسینگ[۸] (2017) در مقاله‌ای با عنوان «اقتصاد فرانسه، مقامات اروپایی و صندوق بین‌المللی پول؛ اصلاح ساختار یا افزایش اشتغال؟» بیان می‌کند که اقتصاد فرانسه می‌تواند بر بیکاری گسترده غلبه کند و پیشرفت بیشتری داشته باشد. یک دیدگاه دربارۀ بیکاری و رکود اقتصادی در دهۀ گذشته وجود داشت که به‌شدت بر ساختار اقتصادی آن تأثیر گذاشت. به‌نظر می‌رسد، این دیدگاه دولت فعلی فرانسه و همچنین، دیدگاه غالب مقامات اروپایی، ازجمله بانک مرکزی اروپا، کمیسیون اروپا، و صندوق بین‌المللی پول باشد که روند رشد و توسعۀ اقتصادی فرانسه را بهبود می‌بخشد.

داموس[۹] (2020) در مقاله‌ای با عنوان «سیاست‌های اقتصادی در فرانسه در دوره شکوفایی» تأکید کرده است که حاکمان فرانسه، مشکلات زیادی در حوزۀ اقتصاد داشته و از قدرت سیاسی کافی برای حل آن‌ها برخوردار نبودند؛ ازاین‌رو، وابستگی نسبتاً زیادی به حضور بازرگانان ونیزی در مشاغل خود داشتند و آماده بودند که امتیازات فراوانی برای آن‌ها قائل شوند. بااین‌حال، ونیزی‌ها با این حضور اهداف بسیاری را دنبال می‌کردند؛ به‌این‌معنا که هدف آن تنها اتحاد اقتصادی، نظامی، یا امور محدود دیگر نبود. سیاستی که شاید جزئیات بیشتر آن در نامۀ شرکت فرانسوی اوترمر گنجانده شده بود. افزون‌براین، سیاست یادشده دارای مفهوم اقتصادی و مذهبی بسیار مهمی بود؛ زیرا، مسیحی شدن منطقه بخشی از اهداف آن بود. نکتۀ مهم دیگر دراین‌باره این است که حاکمان فرانسوی در راستای گسترش روابط اقتصادی خود، درصدد گسترش روابط متقابل با مسلمانان بودند.

آندرا (2020) در مقاله‌ای با عنوان «ظهور قدرت مدرن: حکومت بر احساسات در تجارت فرانسه» پس از بررسی دقیق متون اخلاق‌گرایان فرانسوی نشان داده است که چگونه آن‌ها با تأثیرپذیری از یانسنیسم، منطق نوستوئیک را برعکس کرده و یک قانون احساسی جدید را برای دولت ارائه کرده‌اند: «عشق به خود». برپایۀ این ایده، تجارت انحصاری در بازار می‌تواند موجب صلح اجتماعی و پیشرفت مادی شود.

متیو (2020) در مقاله‌ای با عنوان «قدرت و ارز: آیا یورو قدرت پولی دولت فرانسه را بهبود بخشید؟» بر این نکته تأکید کرده است که از جنبۀ اقتصاد کلان، قدرت پولی از طریق تراز پرداخت‌ها عمل می‌کند. مجموعه‌ای از ویژگی‌ها، قدرت و انحراف در تنظیم تراز پرداخت‌ها را بهبود می‌بخشد (یا کاهش می‌دهد): متغیرهای مالی، حساسیت و آسیب‌پذیری اقتصاد، و جایگاه بین‌المللی واحد پول کشور. این مقاله پس از بررسی تأثیر اتحادیۀ پولی بر فرانسه به سه

۸. Rosnick

۹. Duymuş

نتیجه رسیده است؛ نخست اینکه، جایگاه بین‌المللی یورو، قدرت دولت فرانسه را افزایش داد. دوم اینکه، دولت آلمان بر پایهٔ فلسفهٔ لیبرال، قوانین بازی را در داخل اتحادیهٔ پول تعیین می‌کند. سوم اینکه، ساختار اقتصادی آلمان در مقایسه با فرانسه یک مزیت ایجاد کرد که منجر به تغییر وضعیت اقتصادی فرانسه شد. درنتیجه، دولت فرانسه ظرفیت خود را برای اجرای سیاست‌های اقتصادی کلان خود از دست داده، نسبت به آلمان وابسته به پول شده و درنتیجه، قدرت پولی ضعیفی داشته است.

توروردت[۱۰] (2021) در مقاله‌ای با عنوان «ردپای اقتصادی یک سازمان تحقیق و فناوری فرانسه در اروپا: رمزگشایی از یک الگوی ساده و ارزیابی نتایج» نشان داده است که اروپا در سال‌های اخیر، توجه بیشتری به سازمان‌های تحقیق و فناوری (RTO) داشته است. این اقدام با توجه به اینکه مأموریت اصلی آن‌ها، مهار علم و فناوری در راستای پرورش نوآوری و درنتیجه، بهبود کیفیت زندگی و تقویت رقابت اقتصادی است، شگفت‌آور نیست. در شرایط اقتصادی فعلی، نشان دادن تأثیر مثبت فعالیت‌های آن‌ها بر اقتصاد و جامعه، یعنی بخش‌های مختلف، با توجه به اینکه یارانهٔ عمومی دریافت می‌کنند، نکته‌ای کلیدی است. براین‌اساس، انجمن سازمان‌های تحقیق و فناوری اروپا (EARTO) در مارس 2018 با انتشار گزارشی، جزئیات حضور و فعالیت اقتصادی 9 عضو را مطرح کرد که کمیسیون انرژی‌های جایگزین و انرژی اتمی فرانسه (CEA) را نیز دربر می‌گیرد. این سازمان فرانسوی که بودجهٔ آن، 60 درصد کل بودجه از هر 9 RTO است، را به خود اختصاص داده است. این مقاله به ارائه نتایج تجربی درباره CEA می‌پردازد و مقایسه‌ای را با نتایج به‌دست‌آمده برای 9 RTO با استفاده از همین روش انجام می‌دهد.

بررسی پیشینهٔ پژوهش نشان می‌دهد که در بسیاری از پژوهش‌های انجام‌شده، قدرت اقتصادی کشورهای قاره سبز در ارتباط با یکدیگر بررسی شده و بعد مزیت رقابتی آن‌ها با بررسی ظرفیت‌ها، اهداف، منابع، و ... انجام نشده است؛ ازاین‌رو، پژوهش حاضر، دارای نوآوری است.

۲. روش پژوهش

روش انجام پژوهش حاضر، توصیفی‌ـتحلیلی و هدف آن، کاربردی است. پژوهش پیش‌رو در دو بخش انجام شده است؛ در بخش نخست، داده‌های پژوهش با استفاده از منابع کتابخانه‌ای ازجمله اسناد مربوط به توسعهٔ اقتصادی و مقاله‌های مرتبط با موضوع پژوهش، گردآوری شدند، و در مرحلهٔ دوم، ابتدا اهداف و راهکارهای دستیابی به قابلیت‌ها و شکوفایی استعدادهای حوزهٔ اقتصادی تبیین و وارد نرم‌افزار مورداستفاده در پژوهش شد. پس از تکمیل بخش نخست و تبیین شاخص‌های مورداستفاده، دیدگاه‌های کارشناسان دربارهٔ میزان اهمیت (باارزش بودن)،

۱۰. Taverdet-Popiolek

نایاب بودن، تقلیدناپذیر بودن، و قابلیت سازمان‌دهی توانایی‌های موجود در کشور نسبت به رقبای مطرح‌شده در این پژوهش با استفاده از پرسش‌نامه (به‌دلیل تخصصی بودن پرسش‌نامه، نمونه‌گیری پژوهش به روش هدفمند بوده و در آن از دیدگاه‌های 18 نفر از کارشناسان اقتصادی و سایر رقبا بهره گرفته شد) پرسیده شد، و همچنین، نقش عوامل کلانی که در مقیاس بزرگ‌تری از محدودهٔ کشور واقع شده‌اند را در ایجاد قابلیت‌های موجود، به‌پرسش گذاشتیم و پس از تکمیل شدن پرسش‌نامه‌ها، نتایج را وارد نرم‌افزار Meta-SWOT کرده و نتایج رقابتی را به‌دست آوردیم.

۳. چارچوب نظری پژوهش

در این بخش، چارچوب نظری پژوهش که مبتنی‌بر واکاوی مفهوم قدرت، قدرت اقتصادی، رقابت قدرت و رقابت اقتصادی، و اقتصاد اتحادیهٔ اروپا و فرانسه است، توضیح داده شده است.

۳-۱. قدرت اقتصادی

مکتب نوواقع‌گرایی، دلیل و انگیزهٔ بقا در آنارشی را محرک دولت‌ها برای بالا بردن میزان قدرت خود می‌داند؛ زیرا، نظام بین‌المللی به‌عنوان یک ساختار آنارشیک شناخته می‌شود. آنارشی به‌این‌معنا است که نظام بین‌الملل، فاقد یک قدرت مرکزی مشروع است که دولت‌ها قادر باشند هنگام رویارویی با خطرات احتمالی از سوی دیگران، از آن استفاده کنند (هدایتی، 1398، 79). حاکمیت، نیازمند ایجاد نهادهایی است که دربرگیرندهٔ قوانین، قواعد، هنجارها، اصول، و رویه‌های تصمیم‌گیری باشد تا ازاین‌طریق بتواند به اهداف و راه‌حل‌های جمعی دست پیدا کند (Smith, 2009, 15). به‌طورکلی، قدرت، مفهومی سیال و نسبی است و این امر سبب شده است که تعریف آن پیچیده باشد و با توجه به شرایط زمانی و مکانی متناسب با آن تعریف شود (Smith, 2010, 7)؛ به‌عنوان مثال، لوکز بر این نظر است که قدرت به‌معنای توانایی تصمیم‌گیری است که افراد برمبنای قابلیت‌هایشان (قدرت وادار کردن اشخاص دیگر به انجام کار موردنظر) دستورکاری را تعیین می‌کنند که در آن ترجیحات خود را برای تصمیم‌گیری مبنا قرار می‌دهند (Lukes, 1974, 54). بارنت دوال نیز قدرت را به چهار نوع تقسیم می‌کند (Barnett, 2005, 15): قدرت اجباری که به‌معنای تعامل با دیگران در راستای کنترل مستقیم دیگری و سرانجام، تشدید اعمالی علیه دیگرانی است که کار موردنظر را انجام نمی‌دهند. این بعد از قدرت به قدرت نظامی قابل‌تعبیر است؛ قدرت نهادی که به‌معنای کنترل غیرمستقیم یک بازیگر از طریق طراحی نهادهای بین‌المللی به‌نفع خود است. این بعد از قدرت نیز به‌عنوان قدرت سیاسی قابل‌بررسی است؛ قدرت ساختاری که با قانون اساسی و کلی بازیگران مرتبط بوده و نقش‌هایی مانند تأثیرگذاری بر اقتصاد جهانی و سرمایه‌داری و موقعیت اجتماعی در بازار کار و سرمایه را دربر می‌گیرد. این چارچوب ساختاری، توانایی بازیگران را برای تغییر شرایط درنظر می‌گیرد و به‌عنوان قدرت ایدئولوژیک نیز شناخته می‌شود.

پژوهشنامهٔ ایرانی سیاست بین‌الملل
دورهٔ ۱۱، شمارهٔ ۲، شمارهٔ پیاپی ۲۲، بهار و تابستان ۱۴۰۲

قدرت تولید، به‌معنای توانایی یک بازیگر برای کنترل دیگری از طریق مالکیت و بهره‌برداری از توان توزیع منابع و دارایی‌هاست؛ براین‌اساس، افرادی که قدرت تولیدی بیشتری دارند و از آزادی بیشتری برای بهره‌برداری از آن برخوردارند، می‌توانند به نفع خود عمل کنند. تعداد اندکی از اقتصاددانان دربارهٔ مفهوم قدرت و معیارهای جابه‌جایی، اندازه‌گیری، و تعمیم میزان قدرت کشورها نوشته‌اند؛ زیرا بسیاری از آن‌ها بر این نظرند که قدرت، موضوع بحث اندیشمندان سیاسی است. بااین‌حال، پژوهشگران روابط بین‌الملل از قدرت اقتصادی کشورها به‌عنوان عاملی تأثیرگذار بر روابط بین‌الملل یاد کرده‌اند (Payne, 2016, 16). سیمون (1953) و دهل (1957) تأکید کرده‌اند که قدرت اقتصادی، دارای ابعاد گوناگونی است که تقویت‌کنندهٔ اندازه نسبی، فعلی و آیندهٔ اقتصاد یک کشور هستند؛ قدرتی که می‌تواند به‌گونه‌ای یکجانبه و برپایهٔ اندازهٔ بازار اعمال شود (Simon, 1953, 69; Dahl, 1957) و کشورها و گروه‌های موجود در یک فضای سرزمینی و حتی فراتر از مرزهای سرزمینی را ترغیب به اقدام در راستای اهداف موردنظرشان کند؛ به‌عنوان‌مثال، می‌توان به تهدید محدود کردن دسترسی به بازار از طریق ایجاد موانع تجاری اشاره کرد که به‌عنوان یک سیاست سخت‌گیرانه در مورد سرمایه‌گذاری خارجی و داخلی شناخته می‌شود. دومین عنصر قدرت اقتصادی، در تمایلات افراد و کشورها بازتاب یافته است که برای همکاری با یکدیگر به توافق‌های مشترک یا از طریق این توافق‌ها به ائتلاف‌های جهانی می‌پیوندند تا بتوانند به رشد اقتصادی و درنتیجه، قدرت اقتصادی دست یابند. این برداشت از قدرت اقتصادی در نظریه‌های کلان شاپلی (1953) و مفاهیم ارزش بنژاف (1966) دیده می‌شود که بر این نظرند که برای اندازه‌گیری قدرت اقتصادی باید به مفاهیم ارزشی کلان و مشترک بین کشورها توجه کرد (Banzhaf, 1966, 312, Shapley, 1953, 16). بعد سوم قدرت اقتصادی، بیانگر قدرت نرم و بهره‌گیری از اقناع و استدلال فلسفی برای تأثیرگذاری بر رقبا به‌منظور ترغیب آن‌ها به همسویی با منافع خود است و برای داشتن قدرت در این بعد باید از حد مناسبی از مشروعیت برخوردار بود. دراین‌بین، پذیرش استدلال‌های فکری از سوی رقیب می‌تواند به‌معنای پذیرش و موافقت با گسترش حوزهٔ نفوذ یک کشور باشد. عوامل گوناگونی به‌عنوان مؤلفه‌های قدرت اقتصادی شناخته می‌شوند که برخی از آن‌ها عبارتند از: افزایش مهارت نیروی انسانی، سرمایه‌گذاری بر منابع انسانی (Craft, 2008)، بهره‌وری و آموزش (Petrakos et al., 2007, 8)، و نوآوری (Ulku, 2004, 3). در پژوهش حاضر، موضوع قدرت اقتصادی برمبنای عوامل ساختاری و زیربنایی، منابع مالی و سرمایه‌گذاری تأثیرگذار بر اقتصاد، و عامل فناوری برمبنای رساله‌ای با عنوان «بهینه‌سازی قدرت ملی کشورها» بررسی شده است.

۲-۳. رقابت اقتصادی

در دورهٔ کنونی، اقتصاد جهانی سبب شده است که بسیاری از مرزهای ملی کم‌رنگ‌تر شده

و کشورها به‌سوی منابع اقتصادی فراتر از سرزمین‌های تحت حاکمیت خود حرکت کنند (Mehra, 2003, 908). بااین‌حال، توجه به موضوع قابلیت‌های منطقه‌ای در چارچوب فضایی و در راستای رقابت و تعاملات اقتصادی از اهمیت بسزایی برخوردار شده است (Grabher, 1993, 14). دراین‌میان، رشد اقتصادی کشورها، چارچوب مهمی برای توسعهٔ سرزمینی به‌شمار می‌آید. محور اصلی این استدلال، این است که تلاش برای توسعه و رشد اقتصادی، سبب نوآوری درنتیجهٔ شرایط خاص سرزمینی، اجتماعی، و فرهنگی می‌شود و همین عامل می‌تواند زمینه‌ساز رقابت اقتصادی کشورها در یک منطقه ژئوپلیتیکی شود (Geenhuizen & Nijkamp, 2000, 44; Nonaka et al., 1991, 99).

براین‌اساس، در طول بیست سال گذشته، شواهدی مبنی‌بر کارآمدی اقتصادی برای افزایش رقابت‌پذیری کشورها در راستای توسعه و پیشرفت در عرصهٔ ملی، منطقه‌ای، و بین‌المللی مشاهده شده است. نتایج پژوهش‌های صاحب‌نظران نشان می‌دهد که مزیت رقابت اقتصادی سبب افزایش چشمگیر پیشرفت اقتصادی، کارایی اقتصادی، و به‌ویژه بهبود بهره‌وری برای تولید و ایجاد انگیزه‌های نوآورانه شده است (Evenett, 2005, 15). گفتمان اقتصاد مبتنی‌بر رقابت، دارای چارچوب‌های قانونی قابل‌توجهی است که بر پایهٔ نظریه‌های نئوکلاسیک، منبع خارجی اقتدار به‌شمار می‌آید. رقابت، بیش از هر زمینهٔ حقوقی دیگری، با اقتصاد ارتباط دارد؛ زیرا، این موضوع نشان‌دهندهٔ تلاش در راستای دستیابی به روش‌های علمی برای افزایش رقابت‌پذیری، مراجع نظارتی، گسترش قدرت نرم کشورها، و افزایش حوزهٔ نفوذ آن‌ها است. ویژگی مشترک در بحث رقابت اقتصادی، تأکید بر یک تحلیل می‌باشد که عمدتاً بر تأثیرات رفاهی متکی بوده و روش‌های تجاری مبتنی‌بر رفتارهای خاص مصرف‌کنندگان را بررسی کرده و در نهایت، گسترش بهره‌وری اقتصادی را مد نظر قرار داده است (Lianos, 2007, 12).

به‌عنوان مثال، نیکل (1996) بیان می‌کند که شرکت‌های انگلیسی برای افزایش بهره‌وری به‌گونه‌ای مستقیم تحت تأثیر عامل رقابت هستند. وی رقابت بین کشورها را با توجه به میزان سود شرکت‌ها اندازه‌گیری کرده است. برآوردهای او نشان می‌دهد که رشد بنگاه‌ها در صدک 80 و بنگاه‌ها در صدک 20 دارای سود چشمگیری است که نشان‌دهندهٔ وجود مشوق‌های کافی برای کنترل هزینه و بهبود بهره‌وری در طول زمان است (Nickell, 1996, 728).

آهن (2002) نیز تأکید کرده است که بین رقابت اقتصادی و نوآوری، نوعی ارتباط مستقیم وجود دارد که سبب افزایش کارآمدی اقتصاد کشورها در طول زمان می‌شود (Ahn, 2002, 5). بااین‌حال، او بر این نظر است که این کار در بسیاری از مناطق جهان، به‌گونه‌ای ناقص یا با روش‌هایی که سبب اقدامات سوداگرانه می‌شود، انجام می‌شود. افزون‌براین، می‌توان گفت، شکاف‌های اقتصادی بین مناطق، منعکس‌کنندهٔ تفاوت‌های موجود در توانایی آن‌ها و واحدهای تولیدی فعال در نظام‌های منطقه‌ای است (Fagerberg & Verspagen, 1996,

(15; Fagerberg et al., 1997, 8; Neven & Gouyette, 1994, 14; Quah, 1996, 18)؛ ازاین‌رو، مسئلۀ رقابت اقتصادی می‌تواند به‌گونه‌ای مستقیم نشان‌دهندۀ این نوع شکاف بین کشورهای مختلف یک منطقه باشد؛ زیرا، تجمع فناوری در راستای توسعه و رشد اقتصادی در سطح محلی، منطقه‌ای، و جهانی نمایانگر شدت تمرکز و میزان رقابت‌پذیری آن‌ها در یک منطقه است (Evangelista et al., 2001, 734).

۳-۳. اقتصاد اروپا

اروپا، متشکل از 50 کشور مختلف با مجموع 744 میلیون نفر جمعیت است. تفاوت ثروت کشورهای اروپایی تقریباً از دورۀ جنگ سرد و با ایجاد کشورهایی همچون یونان، لهستان، رومانی، اسلوونی، و چک افزایش یافت؛ هرچند بسیاری از آن‌ها از سرانۀ تولید ناخالص داخلی بالاتر از میانگین جهانی برخوردارند (نروژ، هلند، سوئیس و انگلستان). برخی از اقتصادهای اروپایی باوجود موقعیت برتر خود نسبت به میانگین جهانی، در شاخص توسعه انسانی، فقیرتر از دیگران هستند. اروپا در حوزۀ بانک‌داری بیش از 50 تریلیون دلار دارایی دارد و حجم دارایی آن بیش از 20 تریلیون دلار است. بزرگ‌ترین اقتصادهای اروپا با توجه به تولید ناخالص داخلی، عبارتند از: آلمان (3/9 تریلیون دلار)، انگلستان (2/7 تریلیون دلار)، فرانسه (2/7 تریلیون دلار)، ایتالیا (2/0 تریلیون دلار)، اسپانیا (1/4 تریلیون دلار) است (Blake, 2021, 56). سایر اقتصادهای بزرگ اروپایی عبارتند از: هلند، سوئیس، لهستان، سوئد، بلژیک، اتریش، نروژ، ایرلند، و دانمارک (16 تریلیون دلار) که حدود 2/3 درصد از تولید ناخالص داخلی اروپا را دربر می‌گیرد. اتحادیۀ اروپا، دومین اقتصاد ثروتمند جهان پس از ایالات متحده آمریکاست. در سال 2010 از میان 500 شرکت فعال بزرگ حدود 184 شرکت در اروپا فعالیت داشته‌اند (Moret, 2020, 1). 154 شرکت در اتحادیۀ اروپا، 15 شرکت در سوئیس، و 1 مورد در نروژ واقع شده‌اند. در سال 2010 مانوئل کاستلز، جامعه‌شناس اسپانیایی بیان کرد، اروپای غربی همچنان دارای بالاترین سطح زندگی در تاریخ جهان است (Castells, 2010, 14). سیاست رقابت اقتصادی این واقعیت را توجیه می‌کند که بازارهای کاملاً رقابتی دارای بهترین تخصیص منابع و امکانات از منظر قیمت، کیفیت، و نوآوری برای مصرف‌کنندگان هستند.

به‌طور خاص، عملکرد مناسب و رقابتی اقتصاد سبب می‌شود که شرکت‌های ناکارآمد یا ضعیف به‌لحاظ فناوری و نوآوری از بین بروند و میزان جذب سرمایه و توسعۀ بخش‌های اقتصادی دیگر، کارآمدتر شود (Vé rtesy, 2018, 5). درواقع، چنین مواردی در سیاست رقابتی، سبب بهبود عملکرد اقتصادی بازارهای مالی می‌شوند (Jean, 2019, 9). براین‌اساس، سیاست رقابت اقتصادی در اروپا بر دو پایه استوار است: نخست، دکترین حمایت از مصرف‌کنندگان اروپایی و استقلال آشکار در کاربرد آن از سوی کمیسیونی که بی‌طرفی آن تضمین شده است و از امتیاز اعتماد کشورهای عضو به تصمیم‌هایش برخوردار است. این سیاست، به‌عنوان عاملی مهم

شناخته می‌شود که مانع دستیابی کشورهای اروپایی به اهداف راهبردی‌شان می‌شود (Silva, 2020, 5)؛ به‌عنوان مثال، کاهش قیمت‌ها در اروپا، در بسیاری از موارد، نتیجهٔ سیاست‌های اقتصادی مبتنی‌بر کسب مزیت رقابتی است. در سال 2011 در فرانسه قیمت‌ها در کمتر از یک سال 40 درصد کاهش یافت (BEREC, 2018, 119). مواردی مانند توسعهٔ فناوری اطلاعات و ارتباطات، تغییرات ساختاری در اقتصاد به‌ویژه نقش فزایندهٔ خدمات در تولید ناخالص داخلی و اشتغال، تأثیرات بازار واحد اروپا (گات[11])، سیاست کلان با هدف تحقق معیارهای اقتصادی و پولی، معرفی یورو و پیامدهای سیاست پولی مشترک بین کشورهای اروپایی و ترکیدن حباب بورس اوراق بهادار نیویورک (2001) پس از بحران املاک و مستغلات، و بحران بدهی‌های مالی و اقتصادی (2008)، بیشترین تأثیر را بر قدرت اقتصادی کشورهای اروپایی داشته است. عوامل یادشده و تغییر شرایط فعالیت اقتصادی، سبب افزایش قدرت اقتصادی این کشورها در سطح منطقه‌ای و جهانی شده است (MUCHA-LESZKO, 2016, 28).

۴-۳. اقتصاد فرانسه

برپایهٔ گزارش صندوق بین‌المللی پول در سال 2018، فرانسه با تولید ناخالص داخلی 42/878 برای هر نفر به‌عنوان یکی از کشورهای ثروتمند جهان به‌شمار می‌آید (European Commision, 2020, 5). همچنین، فرانسه در سال 2018 با کسب رتبهٔ 0/891 در فهرست توسعهٔ انسانی به‌عنوان یکی از کشورهای دارای پیشرفت انسانی بالا شناخته شده است و بیست‌ویکمین کشور در درک شاخص فساد بوده است(Corruption Perceptions Index, 2018, 10; Human Development Index, 2018, 34). همچنین، این کشور به‌عنوان یکی از قدرت‌های دریایی که دارای کانتینرها و میزان صادرات و واردات بالایی در سطح جهانی است، شناخته می‌شود (سلطانی، 1399، 88)؛ اما یکی از مشکلات این کشور، نرخ بالای بیکاری است که اقتصاددانان کینزی در پی راهکارهایی برای حل مسئلهٔ بیکاری در فرانسه بوده‌اند و نظریه‌هایشان سبب وضع قانون 35 ساعت کار در طول هفته در سال 1999 شد. دولت، بین سال‌های 2004 تا 2008 اصلاحاتی را در حوزهٔ عرضهٔ نیروی کار انجام داد تا ازاین‌طریق با بیکاری مبارزه کند (Marie, 2019, 18).

دولت سارکوزی برای جبران پیامدهای منفی بیکاری، مزایایی را برای مشاغلی که درآمدزایی کافی ندارند، ایجاد کرد. نرخ اشتغال فرانسه در پایین‌ترین میزان در اروپا است؛ به‌گونه‌ای که در سال 2012 تنها 71 درصد از جمعیت بین 65-15ساله‌ٔ این کشور دارای شغل بودند؛ درحالی‌که این میزان در انگلیس و آلمان، 77 درصد بود (OECD, 2012, 15). رقابت اقتصادی فرانسه با کشورهای دیگر اروپایی، بیشتر در راستای حضور گسترده در بازارهای بین‌المللی است. این عامل را می‌توان در تراز خالص صادرات فرانسه در مقایسه با کشورهای دیگر اروپایی مشاهده

11. GATT

کرد که نشان‌دهندۀ تمایل بیشتر فرانسه به صادرات به کشورهای اتحادیۀ اروپا در مقایسه با بازارهای بین‌المللی است. این شرایط از سال 2006 به‌این‌سو به‌آرامی تغییر کرده است، ولی همچنان تجارت فرانسه بیشتر در قاره اروپا متمرکز است (Quick 2015, 18). افزون‌براین، در طول دهۀ گذشته، زیان بازار صادرات فرانسه بیشتر از کشورهای دیگر منطقۀ یورو بوده است. به‌ویژه رشد صادرات فرانسه در مقایسه با بازارهای صادراتی این کشور پیش از بحران مالی سال 2008 نسبتاً کند بوده است. دستمزد در فرانسه سریع‌تر از بهره‌وری نیروی کار افزایش یافته است و رشد هزینۀ واحد کار از نرخ آلمان بسیار فراتر رفته است. این روند بیشتر به تحولات ایجادشده در بخش‌های اقتصادی، که بخشی از رقابت جهانی است، مربوط می‌شود. افزایش رقابت سبب شده است که ظرفیت‌های سرمایه‌گذاری، اشتغال، عدالت، و رفاه در فرانسه دستخوش تغییراتی شود (OECD, 2015, 24). در مقالۀ حاضر، رویۀ فرانسه در راستای توسعه و پیشرفت را در مقایسه با قدرت‌های اقتصادی دیگر اروپا بررسی کرده‌ایم؛ بنابراین، ابتدا لازم است که اهداف و منابع و قابلیت‌های فرانسه در مقایسه با کشورهای دیگر منطقه بررسی شود تا ازاین‌طریق بتوان به درک مناسبی از توانایی رقابتی این کشور با کشورهای دیگر دست یافت.

۵-۳. یافته‌های پژوهش

در این بخش برای بررسی سطح رقابت قدرت اقتصادی کشور فرانسه از نرم‌افزار متاسوات بهره گرفته‌ایم. به‌این‌ترتیب، در ادامه، اقتصاد فرانسه و کشورهای دیگر را در 8 مرحله به‌شکل‌های گوناگونی بررسی کرده‌ایم.

۱-۵-۳. تعیین اهداف

در مرحلۀ نخست برنامه‌ریزی بر پایۀ Meta-SWOT، شناسایی اهداف توسعۀ اقتصادی در افق زمانی مشخص‌شده و اولویت‌بندی آن‌ها در قالب سه سطح بالا-متوسط-پایین‌تر پایۀ دیدگاه‌های کارشناسان پژوهش است (جدول شمارۀ 1). درواقع، گام نخست برای هرگونه برنامه‌ریزی در هر سطحی، مشخص کردن اهداف برنامه‌ریزی است (اینکه قصد داریم در افق زمانی مشخص‌شده به چه چیزهای دست یابیم). براین‌اساس، در نخستین مرحله از برنامه‌ریزی متاسوات، 18 هدف مهم اقتصادی‌ای که فرانسه باید برای دستیابی به آن‌ها تلاش کند، مشخص‌شده است. بر پایۀ دیدگاه‌های کارشناسان، افزایش ثروت و رفاه مردم جامعه (کاهش سطح فقر)، افزایش سطح اشتغال، افزایش عدالت اجتماعی، تمرکز بر آزادسازی اقتصادی، تمرکز بر توانمندی اقتصادی شهروندان، شناساندن سرمایه‌های نمادین، گسترش گردشگری بین‌المللی، حمایت از صنایع کوچک و متوسط، تنوع بخشیدن به کالاهای صادراتی، ایجاد مزیت نسبی در تولید و صدور کالاهای صنعتی در سطح بین‌المللی، افزایش سطح کارایی ساختارهای داخلی اقتصاد، رشد سرمایه‌گذاری خارجی، افزایش مشارکت مردم در تولید، افزایش بهره‌وری، حمایت از فعالیت‌های دانش‌بنیان، گسترش تولیدات کشاورزی، تضمین

پایداری زیست‌محیطی، ترویج برابری جنسیتی، و توانمندسازی زنان، مهم‌ترین اهداف فرانسه از برنامه‌ریزی برای توسعهٔ قدرت اقتصادی بوده‌اند و امتیازدهی به هریک از اهداف یادشده، برپایهٔ اولویت‌ها و توانایی‌های اقتصادی فرانسه، طیفی از اولویت‌های بالا تا پایین را دربر می‌گیرد. نتایج دیدگاه‌های کارشناسان نشان می‌دهد که در میان اهداف مشخص‌شده، افزایش ثروت و رفاه مردم جامعه (کاهش سطح فقر)، افزایش سطح اشتغال، تمرکز بر توانمندی اقتصادی شهروندان، گسترش گردشگری بین‌المللی، رشد سرمایه‌گذاری خارجی، افزایش بهره‌وری، و حمایت از فعالیت‌های دانش‌بنیان به‌دلیل اهمیت اقتصادی آن‌ها، از مهم‌ترین اولویت‌ها و اهداف اقتصادی فرانسه بوده‌اند.

جدول شمارهٔ (۱). اهداف توسعهٔ اقتصادی

اولویت	اهداف
بالا	افزایش ثروت و رفاه مردم جامعه (کاهش سطح فقر)
بالا	ایجاد اشتغال
متوسط	افزایش عدالت اجتماعی
متوسط	تمرکز بر آزادسازی اقتصادی
بالا	تمرکز بر توانمندی افراد جامعه
بالا	شناساندن سرمایه‌های نمادین
بالا	گسترش گردشگری بین‌المللی
بالا	حمایت از صنایع کوچک و متوسط
متوسط	تنوع بخشیدن به کالاهای صادراتی
متوسط	ایجاد مزیت نسبی در تولید و صدور کالاهای صنعتی در سطح بین‌المللی
بالا	افزایش سطح کارایی ساختارهای داخلی اقتصاد
بالا	رشد سرمایه‌گذاری خارجی
بالا	افزایش مشارکت مردم در تولید
بالا	افزایش بهره‌وری
بالا	حمایت از فعالیت‌های دانش‌بنیان
متوسط	گسترش تولیدات کشاورزی
متوسط	تضمین پایداری زیست‌محیطی
متوسط	ترویج برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان

Source: Hafez Nia and Saleh Abadi, 2019

۲-۵-۳. شناسایی منابع و قابلیت‌ها

پس از شناسایی اهداف و اولویت‌های آن، ابزار و منابع و توانایی‌های موجود در کشور که رسیدن به اهداف تعیین‌شده را امکان‌پذیر می‌کنند، نیز مشخص و ارزش آن‌ها یا به‌عبارتی میزان اهمیت و تأثیر این قابلیت‌ها در رسیدن به اهداف یادشده، از نظر کارشناسان، امتیازی دریافت می‌کند که باید در پایان، جمع تمام امتیازهای داده‌شده، به 100 درصد برسد. به بیان روشن‌تر، در این مرحله، قابلیت‌ها و توانایی‌هایی مشخص‌شده‌اند که می‌توانند فرانسه را به اهداف اقتصادی مطرح‌شده در افق زمانی 2030 برسانند. دراین‌میان، برخی از توانایی‌ها به‌دلیل شرایط، مناسب شناخته شده و کسب آن‌ها از امتیاز و ارزش بالاتری برای کمک به قدرت اقتصادی کشور برخوردارند. درواقع، تعیین ارزش این توانایی‌ها، به‌معنای این است که هریک از این قابلیت‌ها چه جایگاهی دارند و تاچه‌حد می‌توانند سطح رقابت اقتصادی کشور را در مقایسه با سایر رقبای منطقه‌ای فرانسه، بالا ببرند. در این بخش، 18 منبع و توانایی قابل‌اتکا که دارای طیفی از ارزش‌های گوناگون از 1 تا 9 بوده‌اند، تعیین شده‌اند. مهم‌ترین منابع و قابلیت‌های اقتصادی فرانسه که یاریگر این کشور برای رسیدن به اهداف اقتصادی یادشده هستند، عبارتند از: بهره‌وری نیروی کار، صادرات فناوری سطح بالا، ذخایر ارزی بین‌المللی، سرمایه‌گذاری خارج از مرزها، و سهم در تجارت جهانی؛ درواقع، این مؤلفه‌ها که در میان توانایی‌های اقتصادی فرانسه از وزن و اهمیت بالاتری برخوردار بوده‌اند، اصلی‌ترین قابلیت‌های اقتصادی این کشور برای رقابت با رقبای منطقه‌ای آن به‌شمار می‌آیند.

جدول شمارهٔ (۲). منابع و قابلیت‌ها

وزن (ارزش)	منابع و قابلیت‌ها
4	پس‌انداز ملی از تولید ناخالص داخلی
3	تحرک کسب‌وکار
6	زیرساخت‌های‌اقتصادی
8	بهره‌وری نیروی کار
6	سطح فناوری
6	صادرات کالاهای ICT کل کالاهای صادراتی
5	میزان تسلط بر بازارهای جهانی
4	سهم واردات مواد غذایی از تولید ناخالص داخلی
4	شاخص جینی (Gini)
4	سهم در انرژی جهانی
8	صادرات فناوری سطح بالا

تولید ناخالص داخلی	5
سهم تولید ناخالص داخلی از مجموع تولید ناخالص داخلی جهانی	6
ذخایر ارزی بین‌المللی	7
سرمایه‌گذاری خارج از مرز	7
سهم در تجارت جهانی	7
پیچیدگی اقتصادی	5
آزادی اقتصادی	4

Source: Hafez Nia and Saleh Abadi, 2019

۳-۵-۳. تعیین ابعاد رقابتی و رقبا

این بخش در دو مرحله انجام شده است. در مرحلهٔ نخست، ابعاد رقابت اقتصادی فرانسه با رقبا در دو حوزهٔ توسعهٔ اقتصادی و آمادگی تکنولوژیکی انجام شده است. در مرحلهٔ دوم، رقبای فرانسه در حوزهٔ اقتصادی مشخص‌شده‌اند (با توجه به هدف پژوهش که مقایسهٔ قدرت اقتصادی فرانسه در قارهٔ اروپا بوده است، همهٔ رقبای فرانسه از قارهٔ اروپا انتخاب شده‌اند). پس از مشخص شدن رقبا، قابلیت‌ها و توانایی‌های کشور فرانسه در حوزهٔ اقتصادی (جدول شمارهٔ 3) با رقبای اروپایی این کشور مقایسه شده است؛ زیرا، قابلیت‌ها و توانایی‌های هر نظامی باید در ارتباط با نظام‌های دیگر درنظر گرفته شود. در حوزهٔ قدرت اقتصادی نیز توانایی‌های اقتصادی فرانسه باید در مقایسه با رقبای این کشور سنجیده شود تا سطح رقابت‌پذیری آن مشخص شود. به بیان روشن‌تر، امروزه اقتصادی از قابلیت رقابت برخوردار است که بتواند امکانات مناسب‌تری از رقبایش تولید و به بازار عرضه کند. در اینجا قابلیت‌های اقتصادی فرانسه با رقبای اروپایی آن مقایسه و بررسی می‌شود. این مقایسه، مبتنی‌بر آمار و داده‌های اقتصادی کشورهای رقیب است. به بیان روشن‌تر، همهٔ قابلیت‌ها و توانایی‌های کشورهای رقیب، مشخص‌شده و امتیازهای ارائه‌شده مبتنی‌بر آمارهای موجود بوده است. این آمار و اطلاعات در جدول شمارهٔ (3) ارائه شده‌اند که در آن، هر بازیگر بر پایهٔ امتیازات و توانایی‌هایش در هر مؤلفه امتیاز مشخصی دریافت کرده است. بر پایهٔ اطلاعات استخراج‌شده از میزان قابلیت‌های رقبای اقتصادی فرانسه (جدول شمارهٔ 3)، وضعیت رقابتی این کشور با رقبایش به‌گونه‌ای کیفی سنجیده شده است؛ بنابراین، با توجه به بسیاری از موارد کارشناسی‌شده، رقبای اروپایی فرانسه به‌لحاظ سطح رقابت با آن در چند دسته قرار می‌گیرند. کشورهای نروژ، انگلستان، آلمان، سوئد، و سوئیس، بالاترین سطح رقابت اقتصادی را با فرانسه داشته‌اند. همچنین، کشورهای دانمارک، فنلاند، هلند، و اتریش در ردهٔ دوم، کشورهای بلژیک، ایتالیا، اسپانیا در رده سوم، و کرواسی، پرتغال، لهستان، جمهوری چک، گرجستان، و صربستان در رده‌های پایین‌تر از سطح رقابت واقع شده‌اند.

پژوهشنامهٔ ایرانی
سیاست بین‌الملل
دورهٔ ۱۱، شمارهٔ ۲، شمارهٔ پیاپی ۲۲، بهار و تابستان ۱۴۰۲

جدول شمارهٔ (۳). مقایسهٔ ظرفیت قدرت اقتصادی کشورهای موردبررسی

کشور	پس‌انداز ملی از تولید ناخالص داخلی	تحرک کسب‌وکار	زیرساخت‌های اقتصادی	بهره‌وری نیروی کار	سطح فناوری	صادرات کالاهای ICT	تسلط بر بازارهای جهانی	سهم واردات مواد غذایی از تولید ناخالص داخلی	شاخص جینی (Gini)
فرانسه	۲۱/۱	۲۴	۷	۵۱	۱۷	۸۰	۳۳	۹٫۸۱	۳۲٫۳
اتریش	۲۷/۱	۲۹	۱۴	۳۴	۲۳	۸۳	۵	۸٫۰۲	۳۰٫۵
بلژیک	۲۵/۱	۱۵	۲۳	۴۵	۱۵	۷۷	۱۰	۹٫۶۷	۲۸٫۱
کرواسی	۲۲/۱	۷۴	۴۶	۱۰۰	۴۷	۶۷	۱۱۷	۱۲٫۸۸	۳۲٫۲
چک	۳۳/۶	۴۱	۴۳	۴۴	۲۹	۹۰	۳۶	۶٫۲	۲۵٫۹
دانمارک	۲۷	۵	۲۱	۱۳	۱۱	۶۳	۴	۱۳٫۹۷	۲۸٫۵
فنلاند	۲۰/۷	۱۱	۲۶	۲۳	۱۶	۷۰	۲۶	۸٫۴۲	۲۶٫۸
گرجستان	۱۶٫۸	۵۷	۶۵	۴۳	۶۵	۳۲	۱۲۱	۱۴٫۱۶	۳۸٫۵
آلمان	۲۶٫۷	۱۰	۸	۲۲	۱۰	۸۴	۲	۷٫۹۶	۳۱٫۴
ایتالیا	۲۰٫۵	۶۶	۲۵	۱۱۹	۴۰	۸۴	۱۶	۱۱٫۰۸	۳۴٫۷
هلند	۳۰٫۵	۴	۳	۱۴	۶	۹۵	۷	۱۲٫۲۶	۲۸٫۶
نروژ	۳۰٫۳	۳	۳۴	۹	۷	۲۳	۱۷	۱۸٫۳	۲۶٫۸
لهستان	۲۳/۵	۷۷	۵۳	۷۹	۴۶	۸۰	۲۲	۸٫۹۵	۳۲٫۱
پرتغال	۱۶/۱	۲۵	۲۲	۶۴	۲۶	۷۷	۱۰۹	۱۵٫۳۶	۳۵٫۶
صربستان	۱۰/۷	۷۸	۷۴	۱۰۶	۷۰	۵۷	۱۴۲	۵٫۷۷	۲۹٫۱
اسلوونی	۲۹/۳	۲۸	۳۹	۸۵	۳۵	۸۳	۷۱	۸٫۶۸	۲۵٫۷
اسپانیا	۲۳/۳	۳۹	۱۲	۶۹	۲۵	۷۳	۲۹	۱۱٫۸۷	۳۶
سوئد	۲۹/۵	۲	۲۰	۱۸	۴	۷۶	۲۱	۱۱٫۳۶	۲۷٫۲
سوئیس	۳۴/۷	۹	۶	۱	۱	۹۱	۱	۶٫۱	۳۲٫۵
انگلیس	۱۵/۱	۶	۹	۵	۳	۷۹	۶	۱۰٫۲۱	۳۴٫۱

Source: HafezNia and SalehAbadi, 2019

ادامه جدول شمارۀ (۳). مقایسۀ ظرفیت قدرت اقتصادی کشورهای موردبررسی

کشور	سهم از انرژی جهانی	صادرات فناوری سطح بالا	تولید ناخالص داخلی	سهم تولید ناخالص داخلی از مجموع تولید ناخالص داخلی جهانی	ذخایر ارزی بین‌المللی	سرمایه‌گذاری خارج از مرز	سهم در تجارت جهانی	پیچیدگی اقتصادی	آزادی اقتصادی
فرانسه	۱۳۷٫۸	۲۳٫۶۶	۱۳/۴	۱۳٫۲۷	۳٫۶۴	۳۰٫۶۷	۲۹٫۳	۶۶٫۵۱	۴۰٫۴۶۲
اتریش	۱۲	۳٫۴۴	۲٫۰۸	۲٫۰۸	۰٫۵۸	۷٫۱۱	۷۸٫۳۲	۱۵٫۶۱	۵۲٫۳
بلژیک	۱۰٫۷	۷٫۸۲	۲٫۵۳	۲٫۵۱	۰٫۶۷	۲۵٫۰۳	۶۲٫۷۶	۲۱٫۳۹	۸۲٫۹
کرواسی	۴٫۴	۰٫۰۱	۰٫۲۶	۰٫۲۷	۰٫۴۵	۰٫۱۱	۴۹٫۳۱	۴۵٫۱	۴۹٫۷
چک	۲۹٫۱	۳٫۵۹	۱٫۰۴	۱٫۰۳	۱٫۴۸	۰٫۲۴	۷۲٫۰۵	۱۲٫۱۴	۷۹٫۵
دانمارک	۱۶	۱٫۶۶	۱٫۶۳	۱٫۶۴	۲٫۱۴	۵٫۱۱	۵۸٫۴	۵٫۲	۵۳٫۶
فنلاند	۱۷٫۸	۰٫۶۵	۱٫۲۸	۱٫۲۷	۰٫۲۸	۴٫۰۶	۷۳٫۵۲	۹٫۲۵	۳۶
گرجستان	۱٫۳	۰٫۰۱	۰٫۰۷	۰٫۰۷	۰٫۰۱	۰٫۰۱	۱۹٫۹۶	۱۰٫۹۸	۴۳٫۶
آلمان	۱۱۹٫۶	۳۲٫۹۸	۱۸٫۸۲	۱۸٫۶۶	۴٫۹۴	۳۸٫۵۴	۸۳٫۷۱	۷٫۵۱	۴۶٫۱
ایتالیا	۳۶٫۱	۴٫۸۲	۹٫۹۸	۹٫۹۶	۳٫۶۵	۱۴٫۱	۶۱٫۶۸	۴۴٫۵۱	۲۹٫۸
هلند	۴۷٫۶	۱۱٫۹۴	۴٫۱۴	۴٫۱۵	۱٫۸	۲۱٫۳	۵۹٫۶۱	۸٫۰۹	۸۲٫۴
نروژ	۲۰۸٫۱	۰٫۸۴	۲٫۰۲	۱٫۹	۱٫۴۶	۵٫۴۴	۵۸٫۷۳	۱۳٫۸۷	۳۴٫۱
لهستان	۶۷٫۷	۲٫۴۱	۲٫۵۱	۲٫۵۲	۲٫۶۵	۱٫۴۳	۵۶٫۷۱	۲۲٫۵۴	۵۲٫۳
پرتغال	۵٫۳	۰٫۳۴	۱٫۱	۱٫۱	۰٫۴۴	۱٫۴۶	۴۱٫۱۲	۳۵٫۲۶	۴۰٫۱
صربستان	۱۰٫۸	۰٫۰۶	۰٫۲	۰٫۲	۰٫۰۳	۰	۴۱٫۳۳	۵۰٫۲۹	۵۰
اسلوونی	۳٫۴	۰٫۲۶	۰٫۲۳	۰٫۲۳	۰٫۰۲۳	۰٫۲	۷۱٫۹۸	۴۹٫۱۳	۷۷٫۷
اسپانیا	۳۳٫۶	۲٫۵۴	۶٫۴۷	۶٫۶۳	۱٫۱۶	۱۴٫۷۱	۴۸٫۶	۲۶٫۵۹	۳۲٫۹
سوئد	۳۴	۲٫۶۷	۲٫۷۸	۲٫۷۵	۱٫۶۴	۱۱٫۵۱	۷۶٫۶۴	۱۱٫۵۶	۴۴٫۳
سوئیس	۱۲٫۲	۹٫۵۳	۳٫۵۶	۳٫۵۵	۱۳٫۴۷	۲۹٫۵	۱۰۰	۰٫۵۷۸	۶۸٫۸
انگلیس	۱۱۹	۱۲٫۴۱	۱۴٫۲۷	۱۴٫۱	۲٫۱۹	۳۸٫۸	۷۵٫۵۴	۴٫۰۴۶	۲۸٫۳

Source: HafezNia and SalehAbadi, 2019

برپایۀ اطلاعات و آمار ارائه‌شده در جدول شمارۀ (3)، می‌توان سطح رقابت بین فرانسه و کشورهای دیگر موردبررسی را مشخص کرد. براین‌اساس، در جدول (4) وضعیت کشورهای موردبررسی به‌لحاظ سطح رقابت‌پذیری اقتصادی آن‌ها با کشور فرانسه و نیز جایگاه هریک از آن‌ها در ابعاد موردبررسی مشخص‌شده است. براین‌اساس، جایگاه‌ها در قالب طیفی از خیلی

بالا تا خیلی پایین امتیازدهی شده‌اند. با توجه به بالا بودن حجم امتیازها، در جدول شمارۀ 4، به‌جای نوشته‌های (خیلی بالا، بالا، نسبتاً برابر، پایین، بسیار پایین) به‌ترتیب اعداد (5، 4، 3، 2، 1) قرار داده شده است. به بیان روشن‌تر، در جدول شمارۀ (4) در مقایسۀ توانایی فرانسه با رقبایش، گزینۀ 5 به‌این‌معنا است که آن کشور در آن زمینه در سطح بسیار بالایی برای رقابت با فرانسه قرار گرفته است و گزینۀ 1 به‌معنای بسیار پایین بودن سطح رقابت آن کشور با فرانسه در زمینۀ مشخص شده است.

جدول شمارۀ (۴). وضعیت رقابتی کشورهای موردبررسی با فرانسه

کشور	پس‌انداز ملی از تولید ناخالص داخلی	تحرک کسب‌وکار	زیرساخت‌های اقتصادی	بهره‌وری نیروی کار	سطح فناوری	صادرات کالاهای ICT از کل کالاهای صادراتی	میزان تسلط بر بازارهای جهانی	سهم واردات مواد غذایی از تولید ناخالص داخلی	شاخص جینی (Gini)
اتریش	۲	۴	۴	۲	۴	۳	۱	۳	۴
بلژیک	۲	۲	۵	۲	۳	۳	۱	۳	۴
کرواسی	۲	۵	۵	۵	۵	۲	۵	۱	۳
چک	۱	۵	۵	۴	۵	۴	۳	۴	۴
دانمارک	۲	۱	۵	۱	۱	۲	۱	۴	۴
فنلاند	۳	۱	۵	۱	۳	۲	۲	۳	۴
گرجستان	۴	۵	۵	۲	۵	۲	۵	۴	۲
آلمان	۲	۱	۳	۱	۲	۲	۱	۲	۳
ایتالیا	۳	۵	۵	۵	۵	۲	۱	۴	۲
هلند	۱	۱	۲	۱	۵	۲	۱	۴	۴
نروژ	۱	۱	۵	۱	۱	۱	۱	۵	۴
لهستان	۲	۵	۵	۴	۵	۳	۲	۳	۳
پرتغال	۴	۳	۵	۴	۴	۴	۵	۵	۲
صربستان	۵	۵	۵	۵	۵	۲	۵	۲	۴
اسپانیا	۱	۵	۴	۴	۴	۳	۲	۴	۲
سوئد	۱	۱	۴	۱	۱	۲	۲	۴	۴
سوئیس	۱	۱	۳	۱	۱	۴	۱	۲	۳
انگلیس	۴	۱	۳	۱	۱	۴	۱	۲	۱

ادامهٔ جدول شمارهٔ (۴). وضعیت رقابتی کشورهای موردبررسی با فرانسه

کشور	سهم از انرژی جهانی	صادرات فناوری سطح بالا	تولید ناخالص داخلی	سهم تولید ناخالص داخلی از مجموع تولید ناخالص داخلی جهانی	ذخایر ارزی بین‌المللی	سرمایه‌گذاری خارج از مرز	سهم از تجارت جهانی	پیچیدگی اقتصادی	آزادی اقتصادی
اتریش	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۱	۲	۲
بلژیک	۵	۵	۵	۵	۵	۴	۱	۲	۱
کرواسی	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۱	۱	۲
چک	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۱	۲	۱
دانمارک	۵	۵	۵	۵	۴	۵	۱	۱	۲
فنلاند	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۱	۱	۲
گرجستان	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۴	۱	۲
آلمان	۴	۱	۲	۲	۲	۲	۱	۱	۲
ایتالیا	۵	۵	۵	۵	۳	۵	۱	۲	۴
هلند	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۱	۱	۱
نروژ	۱	۵	۵	۵	۵	۵	۱	۱	۴
لهستان	۵	۵	۵	۵	۴	۵	۱	۱	۲
پرتغال	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۱	۱	۳
صربستان	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۱	۲	۲
اسپانیا	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۱	۱	۴
سوئد	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۱	۱	۲
سوئیس	۵	۵	۵	۵	۱	۴	۱	۱	۱
انگلیس	۴	۵	۲	۲	۴	۲	۱	۱	۱

Source: Research findings, 2019

۴-۵-۳. تعیین تأثیر قابلیت‌ها بر ابعاد رقابتی

در این قسمت، قابلیت‌های اقتصادی فرانسه در دو بعد رقابتی پژوهش، یعنی توسعهٔ اقتصادی و آمادگی تکنولوژیکی، ارزیابی شده است. نتایج پرسش‌نامه‌ها در این بخش (جدول شمارهٔ 5) نشان می‌دهد که قابلیت‌های موجود در اقتصاد فرانسه تأثیر بیشتری بر بعد رقابتی توسعهٔ اقتصادی دارد تا بعد دیگر آن، یعنی آمادگی تکنولوژیکی. درواقع، این نتایج نشان می‌دهد که وضعیت فرانسه در بعد توسعهٔ اقتصادی مناسب‌تر از آمادگی تکنولوژیکی است.

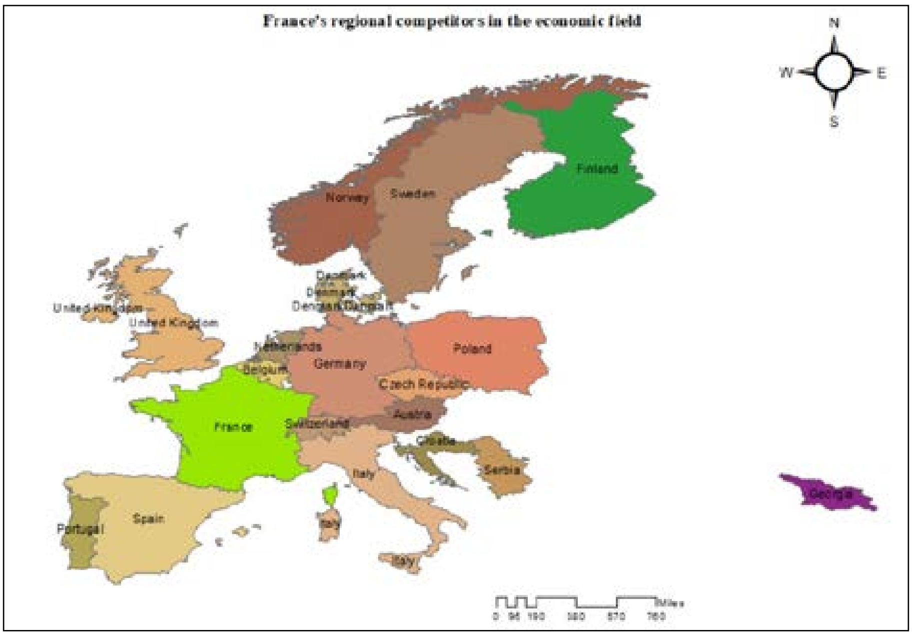
پژوهشنامهٔ ایرانی سیاست بین‌الملل
دورهٔ ۱۱، شمارهٔ ۲، شمارهٔ پیاپی ۲۲، بهار و تابستان ۱۴۰۲

جدول شمارهٔ (۵). تأثیر قابلیت‌ها بر ابعاد رقابتی

منابع و قابلیت‌ها	توسعهٔ اقتصادی	آمادگی تکنولوژیکی
پس‌انداز ملی از تولید ناخالص داخلی	*	
تحرک کسب‌وکار		*
زیرساخت‌های اقتصادی	*	
بهره‌وری نیروی کار		*
سطح فناوری		*
صادرات کالاهای ICT در مقایسه با کل کالاهای صادراتی		*
میزان تسلط بر بازارهای جهانی		*
سهم واردات مواد غذایی از تولید ناخالص داخلی	*	
شاخص جینی (Gini)	*	
سهم از انرژی جهانی	*	
صادرات فناوری‌های سطح بالا		*
تولید ناخالص داخلی	*	
سهم تولید ناخالص داخلی از مجموع تولید ناخالص داخلی جهانی	*	
ذخایر ارزی بین‌المللی	*	
سرمایه‌گذاری خارج از مرز	*	
سهم در تجارت جهانی	*	
پیچیدگی اقتصادی		*
آزادی اقتصادی	*	

Source: Research findings, 2019

شکل شمارهٔ (۱). موقعیت قاره‌ای رقبای اقتصادی فرانسه



Source: Research Findings, 2019

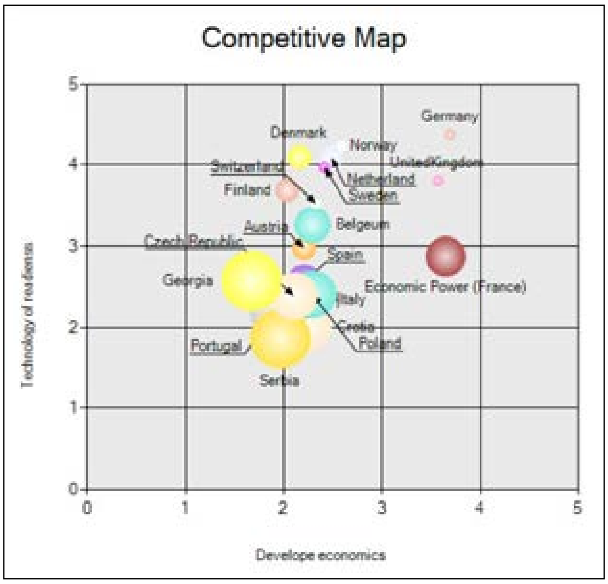
۵-۵-۳. نقشهٔ رقابتی

در این بخش، ارتباط هریک از ابعاد رقابتی با منابع و قابلیت‌ها، تعیین و در پایان، نقشهٔ رقابتی مبتنی‌بر آن ترسیم شده است. این نقشه، نمایانگر وضعیت هریک از رقبا نسبت به فرانسه در زمینهٔ ابعاد رقابتی موردمطالعه است. شکل شمارهٔ (2)، نقشهٔ رقابتی قدرت اقتصادی فرانسه را با رقبای آن در دو بعد رقابتی (توسعهٔ اقتصادی و آمادگی تکنولوژیکی) نشان می‌دهد که نمایانگر وضعیت رقابتی و سطح رقابت رقبای منطقه‌ای فرانسه به‌لحاظ اقتصادی است که در آن، اندازهٔ حباب‌ها به‌معنای سطح رقابت رقبای منطقه‌ای منطقهٔ موردمطالعه است؛ هرچه حباب‌ها بزرگ‌تر باشند، آن رقیب از سطح رقابت‌پذیری کمتری برخوردار است. براین‌اساس، آلمان، بالاترین سطح رقابتی را نسبت به سایر رقبای منطقه‌ای فرانسه دارد که نشان‌دهندهٔ قدرت اقتصادی بسیار زیاد این کشور در قارهٔ اروپا است. کشورهای انگلستان، نروژ، و هلند نیز در جایگاه دوم تا چهارم بوده‌اند. اقتصاد فرانسه برپایهٔ توانایی‌های این کشور و مقایسهٔ آن با داشته‌های رقبای دیگر در همان زمینه‌ها، پس از چهار کشور یادشده در جایگاه پنجم قرار گرفته است. کشورهای سوئد، سوئیس، دانمارک، فنلاند، بلژیک، اتریش، اسپانیا، ایتالیا، جمهوری چک، کرواسی، پرتغال، گرجستان، صربستان نیز در جایگاه‌های بعدی بوده‌اند. برپایهٔ نقشهٔ به‌دست‌آمده، فرانسه در بعد رقابتی توسعهٔ اقتصادی (محور x) با امتیاز 3/64 پس از آلمان با امتیاز 3/67 در جایگاه دوم قرار گرفته است. در این بعد، کشورهای انگلستان، نروژ، هلند،

پژوهشنامهٔ ایرانی سیاست بین‌الملل
دورهٔ ۱۱، شمارهٔ ۲، شمارهٔ پیاپی۲۲، بهار و تابستان ۱۴۰۲

و سوئد در جایگاه‌های سوم تا ششم بوده‌اند و پرتغال، صربستان، و گرجستان سه کشور آخر دراین‌زمینه در قاره اروپا بوده‌اند. به‌لحاظ آمادگی تکنولوژیکی، فرانسه با امتیاز 2/87 در بین 19 کشور اروپایی موردبررسی در جایگاه 11 قرار گرفته است که جایگاه نامناسبی برای این کشور به‌شمار می‌آید. در این بعد رقابتی، آلمان با امتیاز 4/38 در جایگاه نخست قرار گرفته و پس از آن، کشورهای نروژ، هلند، دانمارک، انگلستان، و سوئد در جایگاه‌های دوم تا ششم واقع شده‌اند. همچنین، در این محور، پنج کشور ایتالیا، جمهوری چک، پرتغال، کرواسی، و صربستان به‌ترتیب در جایگاه‌های پانزدهم تا نوزدهم جای گرفته‌اند.

شکل شمارۀ (۲). نقشۀ وضعیت رقبای اقتصادی فرانسه



Source: Research Findings, 2019

۶-۵-۳. ارزیابی منابع و قابلیت‌ها

در این بخش، مشخص‌شده است که کدام‌یک از منابع و قابلیت‌های درونی فرانسه در حوزۀ اقتصادی، توانایی و ظرفیت بیشتر یا مزیت رقابتی پایدارتری دارد که سازمان‌های مسئول می‌توانند با برنامه‌ریزی و تقویت آن‌ها (همان نگاه به درون) با رقبای اقتصادی مطرح‌شده رقابت کرده و قدرت اقتصادی منطقه را به‌سود خود جهت‌دهی کنند. برای نمایان شدن این توانایی‌ها باید توجه کنیم که یک منبع و قابلیت برتر باید دارای چهار ویژگی باارزش بودن، کمیاب بودن، تکرارناپذیری، و جایگزین‌نشدنی باشد. دراین‌راستا، منابع برپایۀ یک طیف پنج‌تایی (بسیار قوی، قوی، متوسط، ضعیف، خیلی ضعیف) و براساس نظر کارشناسان، ارزیابی شده‌اند. نتایج به‌دست‌آمده از پاسخ کارشناسان دربارۀ منابع و قابلیت‌های اقتصادی فرانسه در حوزۀ رقابتی بودن آن‌ها نشان می‌دهد که این کشور در برخی از منابع جغرافیایی قدرت در بعد اقتصادی

دارای قابلیت رقابت‌پذیری مناسبی است که عبارتند از: زیرساخت‌های اقتصادی، سطح فناوری، تسلط بر بازارهای جهانی، سهم از انرژی جهانی، صادرات فناوری‌های سطح بالا، تولید ناخالص داخلی، سهم تولید ناخالص داخلی از مجموع تولید ناخالص داخلی جهانی، و ذخایر ارزی بین‌المللی. افزون‌براین، در مؤلفه‌هایی مانند سهم در تجارت جهانی، پیچیدگی اقتصادی، آزادی اقتصادی، صادرات کالاهای دارای فناوری سطح بالا، کل کالاهای صادراتی، و بهره‌وری نیروی کار، در سطح رقابت‌پذیری پایینی قرار دارد.

درواقع، اگر بخواهیم برپایهٔ امتیاز و ارزشی که به هریک از مؤلفه‌ها داده شده است، وضعیت اقتصادی فرانسه را به‌لحاظ مزیت رقابت اقتصادی بررسی کنیم، مجموع ارزش مؤلفه‌هایی که فرانسه در آن‌ها از توان بالایی برخوردار است، از امتیاز کل یعنی عدد 100، امتیاز 49 است؛ به‌این‌معنا که تنها نیمی از کل ارزش منابع اقتصادی فرانسه، توان رقابت‌پذیری دارند و این برای چنین کشوری که در گذشته دارای امپراتوری و قدرت نظامی بزرگی بوده است، مناسب نیست. همچنین، نتایج مربوط به ارزش مؤلفه‌هایی که فرانسه در آن‌ها در سطح رقابت‌پذیری پایینی بوده است، نشان می‌دهد که از 100 درصد ارزش منابع، 34 درصد آن‌ها توان رقابت‌پذیری ضعیف و نسبتاً ضعیفی داشته‌اند که معادل یک‌سوم از ارزش کل منابع این کشور است و این نتیجه نیز نشان‌دهندهٔ ضعف اقتصادی فرانسه نسبت به رقبای اصلی‌اش در اروپا (همچون آلمان و انگلیس) است. ازآنجاکه این مؤلفه‌ها در دستیابی به قدرت اقتصادی از ارزش بسیار بالایی برخوردارند، ضروری است که زمینهٔ بهبود سطح رقابتی شدن آن‌ها به‌منظور پیشرفت قدرت اقتصادی فرانسه فراهم شود. به‌طورکلی، آنچه از جدول شمارهٔ (6) می‌توان دریافت، این است که فرانسه با تکیه بر این منابع و توانایی‌ها (به‌دلیل سطح رقابت‌پذیری نامناسب بیش از یک‌سوم منابع) نمی‌تواند در حوزهٔ قدرت اقتصادی با رقبای منطقه‌ای خود رقابت کند و جایگاه بهتری را به‌دست آورد.

جدول شمارهٔ (۶). ارزیابی منابع و قابلیت‌ها برپایهٔ دیدگاه مبتنی بر منابع

منابع و قابلیت‌ها	وزن (ارزش)	تکرارناپذیری	تقلیدناپذیر	سازمان‌دهی
پس‌انداز ملی از تولید ناخالص داخلی	۴	متوسط	متوسط	ضعیف
تحرک کسب‌وکار	۳	بالا	قوی	بالا
زیرساخت‌های اقتصادی	۶	بسیار بالا	بسیار بالا	بسیار بالا
بهره‌وری نیروی کار	۸	ضعیف	ضعیف	نسبتاً ضعیف
سطح فناوری	۶	بسیار بالا	بالا	بالا

ارزش صادرات کالاهای دارای فناوری سطح بالا از کل کالاهای صادراتی	۶	ضعیف	نسبتاً ضعیف	نسبتاًضعیف
میزان تسلط بر بازارهای جهانی	۵	بسیار بالا	بسیار بالا	بالا
سهم واردات مواد غذایی از تولید ناخالص داخلی	۴	بسیار بالا	بالا	بالا
شاخص جینی (Gini)	۴	بالا	بالا	بالا
سهم از انرژی جهانی	۴	بسیار بالا	بسیار بالا	بسیار بالا
صادرات فناوری‌های سطح بالا	۸	بسیار بالا	بسیار بالا	بسیار بالا
تولید ناخالص داخلی	۵	بسیار بالا	بسیار بالا	بسیار بالا
سهم تولید ناخالص داخلی از مجموع تولید ناخالص داخلی جهانی	۶	بالا	بسیار بالا	بسیار بالا
ذخایر ارزی بین‌المللی	۷	بسیار بالا	بالا	بسیار بالا
سرمایه‌گذاری خارج از مرز	۷	بالا	بالا	بسیار بالا
سهم در تجارت جهانی	۷	نسبتاًضعیف	ضعیف	ضعیف
پیچیدگی اقتصادی	۵	نسبتاًضعیف	ضعیف	ضعیف
آزادی اقتصادی	۴	نسبتاًضعیف	ضعیف	ضعیف

Source: Research findings, 2019

۷-۵-۳. شناسایی عوامل کلان

زمانی که برای آیندهٔ یک سازمان برنامه‌ریزی می‌شود، باید به این نکته توجه کرد که همیشه مجموعه‌ای از عوامل کلان (سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، طبیعی، و فناورانه) وجود دارند که به‌رغم قرار گرفتن در خارج از محیط آن، از قدرت تأثیرگذاری بالایی بر سازمان برخوردارند و وجود آن‌ها برای موفقیت سازمان، ضروری و حیاتی است؛ زیرا، عوامل کلان می‌توانند در محیط و مجموعه، تغییرات بنیادینی ایجاد کنند (Husso, 2011, 216)؛ بنابراین، در برنامه‌ریزی راهبردی باید به آن‌ها توجه شود. برهمین‌اساس، در جدول شمارهٔ (7) عوامل کلان مؤثر بر رقابت‌پذیری اقتصادی فرانسه مطرح و بر پایهٔ وزن، میزان تأثیرگذاری، احتمال افزایش و درجهٔ اضطرار آن‌ها، بر پایهٔ نظرات کارشناسان، دسته‌بندی شده‌اند. به بیان روشن‌تر، برخی از مهم‌ترین مشکلات و مسائل فراروی قدرت اقتصادی مطرح شده‌اند که برخی از آن‌ها که از وزن و تأثیرگذاری بالایی برخوردارند عبارتند از: تردیدها و نااطمینانی‌هایی که مردم در مورد وضعیت اجتماعی و اقتصادی، عدم مهار و کنترل نرخ بالای بیکاری، رشد کند اقتصادی، و ساختار اقتصادی دارند. نکتهٔ قابل تأمل دربارهٔ این مؤلفه‌ها این است که هر یک از آن‌ها به‌تنهایی می‌تواند وضعیت و قدرت اقتصادی یک کشور را دگرگون کند، چه رسد به اینکه مجموعه‌ای از این

موارد وجود داشته باشند. به بیان روشن‌تر، برای داشتن قدرت اقتصادی، تنها داشتن منابع، کارساز نیست، بلکه باید بتوان از این منابع به‌خوبی بهره‌وری کرد و آن‌ها را در مناسبات با بازیگران قدرتمند دیگر به‌منظور افزایش سطح چانه‌زنی کشور و دستیابی به اهداف، به‌کار برد. امروزه به‌دلیل افزایش سطح پیوستگی‌های مکانی و پیش رفتن به‌سوی جهانی‌شدن در بیشتر سطوح، مسائل داخلی کشورها ازجمله منابع قدرت آن‌ها و نحوهٔ بهره‌برداری و حفظ آن‌ها، وابستگی بسیاری به مسائل کلان آن دارد. براین‌اساس، توجه به مسائل کلان تأثیرگذار بر قدرت اقتصادی بسیار مهم است.

جدول شمارهٔ (۷). عوامل کلان تأثیرگذار بر رقابت‌پذیری اقتصادی فرانسه

متغیرها	وزن	تأثیر	احتمال افزایش	درجه اضطرار
تردیدها و نااطمینانی‌های مردم در مورد وضعیت اجتماعی و اقتصادی	خیلی مهم	خیلی قوی	بالا	فوری
تورم	مهم	قوی	بالا	خیلی زود
کاهش سرمایه‌گذاری خارجی	مهم	قوی	بالا	زود
مهار و کنترل نرخ بالای بیکاری	خیلی مهم	خیلی قوی	بسیار بالا	فوری
رقابت‌پذیری	مهم	قوی	متوسط	زود
رشد کند اقتصادی	خیلی مهم	خیلی قوی	بسیار بالا	فوری
سیاست‌های مالی	خیلی مهم	قوی	بالا	فوری
ساختار اقتصادی	خیلی مهم	خیلی قوی	بسیار بالا	فوری
مدیریت ریسک نقدینگی	مهم	قوی	بالا	زود
بازار کار دوگانه	مهم	قوی	بالا	زود

Source: Research Findings, 2019

۸-۵-۳. ترسیم نقشهٔ راهبردی

در این قسمت، نقشهٔ راهبردی متشکل از وضعیت منابع و مشکلات نظام اقتصادی فرانسه شکل می‌گیرد که در آن، یک بار تأثیر منابع و قابلیت‌ها بر اهداف موردنظر فرانسه در افق زمانی مطرح‌شده بررسی می‌شود؛ دراین‌راستا، این پرسش مطرح و بررسی شده است که «هریک از منابع و توانایی‌های موجود در نظام اقتصادی فرانسه تاچه‌اندازه می‌تواند به فرانسه در رسیدن به آن اهداف کمک کند؟» و در بخش دوم نیز این پرسش مطرح می‌شود که «منابع و توانایی‌های موجود در نظام اقتصادی فرانسه، تاچه‌حد از قابلیت کنترل مخاطرات و مشکلات کلان تأثیرگذار بر نظام اقتصادی این کشور برخوردار است». برپایهٔ دیدگاه‌های کارشناسان، نقشهٔ راهبردی براساس این دو بخش شکل می‌گیرد: الف) منابع و توانایی‌ها که با رنگ فیروزه‌ای نمایش داده شده‌اند؛ ب) عوامل کلان محیطی که با رنگ نارنجی نشان داده

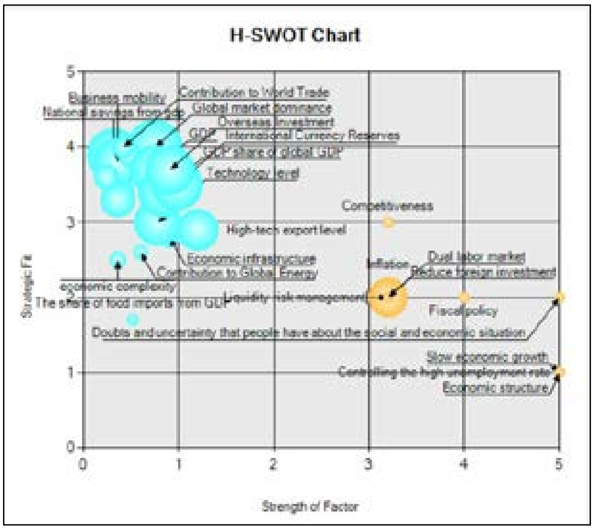
شده‌اند. در شکل شمارۀ (3) هرچه حباب‌ها به‌سمت راست متمایل باشند، نسبتاً باارزش، نادر، تقلیدنشدنی، و غیرقابل‌جایگزینی بوده و از تناسب راهبردی برخوردارند. به بیان روشن‌تر، این منابع، بهترین قابلیت‌های کشور برای پیشرفت قدرت اقتصادی فرانسه به‌شمار می‌آیند. آن‌دسته از عواملی که به‌سمت بالا تمایل دارند، دارای درجۀ بالایی از تناسب راهبردی هستند. اندازۀ حباب‌ها نیز بیانگر درجۀ تناسب آن‌ها با اهداف و اندازۀ حباب عوامل کلان محیطی، بیانگر درجۀ اضطرار آن‌هاست. به‌طورکلی، برای هردو دسته از حباب‌ها که بیانگر منابع و توانایی‌ها و همچنین، عوامل کلان محیطی هستند، قرارگیری در موقعیت بالا و سمت راست، نشان‌دهندۀ بالاترین میزان امتیاز و نمره است.

در یک تعریف علمی و تخصصی می‌توان گفت، درواقع، این تناسب راهبردی یک تناسب برنامه‌ریزی و کارشناسی‌شده برای مقابله با تأثیرات منفی عوامل کلان در بحث رقابت‌پذیری با رقبا و قادر به بیشترین سازگاری و انعطاف‌پذیری با شرایط پیش‌آمده درنتیجۀ تأثیرات عوامل کلان و اثرات رقابتی است. به بیان روشن‌تر، تناسب راهبردی به‌معنای این است که توانایی‌ها و قابلیت‌های اقتصادی کشور تاچه‌اندازه می‌توانند تأثیرگذاری عوامل کلان و منفی را بر اقتصاد کشور کاهش دهند. برپایۀ نقشۀ تناسب راهبردی نمایش‌داده‌شده در شکل شمارۀ (3)، حباب‌های فیروزه‌ای‌رنگ که بیانگر وضعیت منابع قدرت اقتصادی فرانسه هستند نشان می‌دهند که هیچ‌یک از منابع و توانایی‌های اقتصادی این کشور از توان رقابت‌پذیری برخوردار نبوده‌اند (به‌دلیل تجمع در سمت چپ نقشه). به بیان روشن‌تر، به‌دلیل اینکه همۀ منابع و توانایی‌های اقتصادی فرانسه بر روی محور سطح استحکام (X) از 5 امتیاز ممکن، کمتر از 1 امتیاز را به‌دست آورده‌اند (به‌جز صادرات فناوری‌های سطح بالا) فاقد قابلیت استحکام و رقابت‌پذیری هستند.

به بیان روشن‌تر، منابع و قابلیت‌های مطرح‌شده، توانایی کنترل مخاطرات اقتصادی کلان نظام را نداشته، اما به‌لحاظ راهبردی بودن محور (Y)، از توان رقابت‌پذیری اقتصادی، تبدیل شدن به قدرت اقتصادی، و دستیابی به اهداف مطرح‌شده برخوردارند. برخی از این مؤلفه‌ها عبارتند از: میزان تسلط بر بازارهای جهانی، سهم از تجارت جهانی با امتیاز 4، شاخص جینی با امتیاز 3/9، تولید ناخالص داخلی و سرمایه‌گذاری خارج از مرزها با امتیاز 3/7، پیچیدگی اقتصادی با امتیاز 3/6، و صادرات فناوری‌های سطح بالا با امتیاز 3/5 که به‌ترتیب، راهبردی‌ترین منابع و قابلیت‌های اقتصادی فرانسه برای تبدیل شدن به قدرت اقتصادی به‌شمار می‌آیند. حباب‌های نارنجی‌رنگ، نمایانگر عوامل کلان تأثیرگذار بر منابع و قابلیت‌های اقتصادی فرانسه است. برپایۀ محور استحکام و پایداری مؤلفه‌ها (X)، تردیدها و نااطمینانی‌های مردم دربارۀ وضعیت اجتماعی و اقتصادی، ساختار اقتصادی موجود، مهار و کنترل نرخ بالای بیکاری، و رشد کند اقتصادی، با امتیاز کامل 5 از 5 امتیاز ممکن، بادوام‌ترین مشکل و مسئلۀ فراروی قدرت

اقتصادی فرانسه به‌شمار می‌آید. در محور (Y) که مبتنی‌بر مؤلفه‌های راهبردی است، مؤلفهٔ رقابت‌پذیری با امتیاز 3 از 5 امتیاز ممکن، به‌عنوان راهبردی‌ترین مؤلفهٔ کلان تأثیرگذار بر قدرت اقتصادی فرانسه شناخته شده است.

شکل شمارهٔ (۳). نقشهٔ راهبردی مزیت رقابت اقتصادی فرانسه در قارهٔ اروپا



Source: Research findings, 2019

نتیجه‌گیری

افزایش سطح قدرت و بازیگری کشورها، به مقدار بسیار زیادی، با نوع استفاده از منابع و توانایی‌های خودشان و بازیگران دیگر برای شکل دادن و واقعیت بخشیدن به اهداف، رابطه دارد. دراین‌راستا، هر کشوری نیازمند شناخت دقیق منابع قدرت خود و بازیگران دیگر و نیز نوع استفاده و بهره‌وری از این منابع است. به بیان روشن‌تر، امروزه به‌دلیل نزدیک شدن سطح قدرت کشورها به یکدیگر، کشوری قدرتمند است که منابع قدرت دراختیارش از سطح بالای مزیت رقابتی برخوردار باشد. برخورداری از سطح بالای رقابت‌پذیری، جز با درنظر گرفتن منابع خود و بازیگران دیگر و نحوهٔ سازماندهی به این منابع برای بهترین استفاده در مناسبات سیاسی، امکان‌پذیر نیست؛ ازاین‌رو، در پژوهش حاضر، این مسئله بررسی شد که قدرت اقتصادی فرانسه تاچه‌میزان از مزیت رقابتی با اقتصاد سایر رقبای منطقه‌ای این کشور برخوردار است.

به‌منظور رسیدن به هدف یادشده، مهم‌ترین منابع و توانایی‌های اقتصادی فرانسه با 18 کشور اروپایی دیگر مقایسه شدند. نتیجهٔ مقایسه سطح رقابت‌پذیری فرانسه با رقبای اروپایی این کشور نشان داد که نروژ، انگلستان، سوئد، آلمان، و سوئیس از بالاترین سطح قدرت رقابت اقتصادی با فرانسه برخوردارند. همچنین، کشورهای دانمارک، فنلاند، هلند، و اتریش در ردهٔ دوم، بلژیک، ایتالیا، و اسپانیا در ردهٔ سوم، و کرواسی، پرتغال، لهستان، جمهوری چک، گرجستان،

و صربستان در رده‌های پایین‌تر قدرت رقابت اقتصادی واقع شده‌اند. همچنین، فرانسه در بین 19 کشور انتخاب‌شده، رتبهٔ پنجم را به‌خود اختصاص داده است. در بخش بعدی، نقشهٔ تناسب راهبردی بین منابع و قابلیت‌ها با عوامل کلان تأثیرگذار نشان داد که منابع و قابلیت‌های اقتصادی فرانسه، توانایی کم کردن تأثیرات منفی عوامل کلان بر توانایی‌های اقتصادی کشور را ندارند.

اما به‌طورکلی، بر پایهٔ نقشهٔ راهبردی ترسیم‌شده، مهم‌ترین قابلیت‌های راهبردی فرانسه که باید بیشتر بر آن‌ها تمرکز کند عبارتند از: ظرفیت نوآوری، صادرات فناوری‌های سطح بالا، بالا بردن سطح فناوری علمی، جذب سرمایه‌های خارجی، و اقتصاد دانش‌محور که به‌ترتیب راهبردی‌ترین منابع و قابلیت‌های اقتصادی برای تبدیل شدن به قدرت اقتصادی بوده‌اند. حباب‌های نارنجی‌رنگ، نمایانگر عوامل کلان تأثیرگذار بر منابع و قابلیت‌های اقتصادی فرانسه است و بر پایهٔ محور استحکام و پایداری مؤلفه‌ها (X)، تردیدها و نااطمینانی مردم در مورد وضعیت اجتماعی و اقتصادی، ساختار اقتصادی موجود، مهار و کنترل نرخ بالای بیکاری، و رشد کند اقتصادی با امتیاز کامل 5 از 5 امتیاز ممکن، بادوام‌ترین مشکل و مسئلهٔ فراروی قدرت اقتصادی فرانسه به‌شمار می‌آید. در محور (Y) که مبتنی‌بر مؤلفه‌های راهبردی است، میزان تسلط بر بازارهای جهانی و سهم در تجارت جهانی با امتیاز 4، شاخص جینی با امتیاز 3/9، تولید ناخالص داخلی و سرمایه‌گذاری خارج از مرزها با امتیاز 3/7، پیچیدگی اقتصادی با امتیاز 3/6، و صادرات فناوری‌های سطح بالا با امتیاز 3/5، به‌ترتیب راهبردی‌ترین منابع و قابلیت‌های اقتصادی فرانسه برای تبدیل شدن به قدرت اقتصادی بوده‌اند. بر پایهٔ نتایج پژوهش حاضر می‌توان گفت، جایگاه اقتصادی فرانسه با توجه به پیشینهٔ این کشور و جایگاه سیاسی آن در سطح جهانی در میان رقبای آن، مناسب نیست؛ به‌گونه‌ای که پس از کشورهای آلمان، انگلستان، نروژ، و هلند در جایگاه پنجم قرار گرفته است.

Refrences

Abolhasan Shirazi, Habibullah & Sadeghi, Zahra. (2011). Economic and Social Crisis of Europe in the third Millennium: England, France and Germany. Scientific Quarterly of International Relations Studies, 4(17), 9-32.

Ahn, S., (2002). Competition, Innovation and Productivity Growth: A Review of Theory and Evidence. Economics Department Working Papers, No. 37, OECD. Document number ECO/WKP(2002)3.available at: https://doi.org/10.1787/18151973.

Andrade, D.P. (2020). The Emergence of Modern Emotional Power: Governing Passions in the French, Grand Siècle. Theor Soc 49, 465–491. Available at: https://doi.org/10.1007/s11186-020-09382-5.

Banzhaf J.F III (1966). Multimember's Electoral Districts- Do They Violate the One Man, One Vote Principle. Yale Law Review, 75, July 1966, pp i309-i338.

Barnett, Michael & Duvall, Raymond Eds (2005). Power in Global Governance. Cambridge: Cambridge University Press.

Blake, David P., Striking Similarities: The Origins of the European Economic Community (January 4, 2021). Advances in Politics and Economics. Available at SSRN: https://ssrn.com/abstract.

Body of European Regulators for Electronic Communications (BEREC) (2018). Price Effects of Mobile Mergers in Austria, Ireland and Germany. BEREC Report on Post-Merger Market Developments, No BoR (18) 119, 15 June.

Castells, Manuel (26 January 2010). End of Millennium. ISBN9781444323443.

Corruption Perceptions Index 2018 Executive Summary p. 2 (PDF). Transparency.org. Transparency International. Retrieved 10 July 2019.

Crafts, N. F. R. (2009). Solow and Growth Accounting: a Perspective from Quantitative Economic History. In: 20th Annual History of Political Economy Conference: Robert Solow and the Development of Growth Economics. Duke University. 25-27 Apr 2008. Published in: History of Political Economy, Vol.42 (Suppl. 1). pp. 200-220. ISSN 0018-2702. doi:10.1215/00182702-2009-024.

Dahl, R.A. (1957). The Concept of Power. Behavioral Science, Vol. 2, pp. 201-215. July. Reprinted in Bell et al Political Power., p. 79.

Duymuş, Kerem (2020). The Economic Policies in French Outremer Within the Context of Pactum Warmundi, This Text was Delivered as the Part of the "Global History". Seminar at the University of Bayreuth on June 11th 2020.

Evangelista, R., Iammarino, S., Mastrostefano, V. & Silvani, A. (2001). Measuring the Regional Dimension of Innovation. Lessons from Italian Innovation Survey. Technovation, 21, 731–745. Available at: https://doi.

org/10.1016/S0166-4972(00)00084-5.
Evenett, S., (2005). What is the Relationship between Competition Law and Policy and Economic Development?. University of Oxford, Mimeo.
Fagerberg, J. & Verspagen, B. (1996). Heading for Divergence? Regional Growth in Europe Reconsidered. Journal of Common Market Studies, 34, 431–448, available at: https://doi.org/10.1111/j.1468-5965.1996.tb00580.x.
Fagerberg, J., Verspagen, B. & Caniels, M. (1997). Technology Gaps, Growth and Unemployment Across European Regions. Regional Studies, 31, DOI: 10.1080/00343409750132252.
Geenhuizen, M. & Nijkamp, P. (2000). The Learning Capabilities of Regions—Conceptual Policies and Patterns. In: F. Boekema, K. Morgan, S. Bakkers & R. Rutten (Eds). Knowledge, Innovation and Economic Growth (pp. 38–56). U.K.: Edward Elgar.
Grabher, G. (Ed.) (1993). The Embedded Firm. On the Socioeconomics of Industrial Networks. London: Routledge.
Hafez Nia, Mohammad Reza & Saleh Abadi, Rehane (2019). Optimizing the National Power Measurement Model of Countries. Doctoral Thesis, Tarbiat Modares University.
Hedayati Shahidani, Mehdi & Ramzanpour Shlamani, Javad. (2018). The US Approach to China's Continued Economic-Military Development, A Case Study of Donald Trump's Presidency. International Studies Quarterly, 16(2), 71-9.
How does your country invest in R&D?, UNESCO Institute for Statistics (retrieved on 27 September 2020)
Human Development Index (2018) Statistical Update. hdr.undp.org. United Nations Development Programme. Retrieved 10 July 2019.
Lianos, B., (2007). La Transformation du Droit de la Concurrence par le Recours á Analyse économique (Bruylant, 2007).
Lukes, Steven (1974). Power: A Radical View. London: Macmillan.
Magalhães (2018). The Physical Economy of France (1830-2015). The History of a Parasite ?. Project: Environmental History.
Maire, Bruno Le (2019). The United States & France 2019 Economic Report. Embassy of France in the United States Economic Department.
Megir, Costas and Quah, Danny (1995). Regional Convergence Clusters Across Europe. CEP Discussion paper; CEPDP0274 (274). Centre for Economic Performance. London School of Economics and Political Science. London: UK.
Mehra, K. (2003). Regional Innovations and the Economic Competitiveness in India. The International Handbook on Innovation, 904–914. doi:10.1016/b978-

008044198-6/50063-2.
Moreta, Stefano, Babonneaub, Frédéric, Bierlairec, Michel & Marécha, François (2020). Overcapacity in European Power Systems: Analysis and Robust Optimization Approach. Applied Energy, Vol. 259, 1 February 2020, 113970.
Mucha-Leszko, Bogumiła, Katarzyna Twarowska (2016). The European Union As A Global Economic Power. Comparative Economic Research, Vol.19, No. 3, DOI: 10.1515/cer-2016-0019.
Neven, D. J., Gouyette, C. (1994). Regional Convergence in the European Community. CERP Discussion Paper.
Nickell (1996). Competition and Corporate Performance. Journal of Political Economy, 104, p.724-746, DOI: 10.1086/262040.
Nonaka, I. (1991). The Knowledge-Creating Company. Harvard Business School Review, 6 (8), 96–104.
OECD (2015), France, Évaluation de Certaines Mesures de la Loi Pour la Croissance, l'activité et l'égalité des Chances économiques et Perspectives de Futures Réformes". OECD Publishing, Paris.
Organisation for Economic Co-operation and Development (2012). OECD Employment Outlook 2012–Statistical Annex (PDF). Retrieved 29 June 2013.
Payne, Richard (2016). Global Issues (5th ed.). Boston: Pearson Education Inc. p. 16
Petrakos, G., Arvanitidis, P., Pavleas, S. (2007). Determinants of Economic Growth: The Experts' View. Dynamic Regions in a Knowledge-Driven Global Economy Lessons and Policy Implications for the EU. Dynger Working Papers 20/2007.
Prasad, Monica (2006). The Politics of Free Markets: The Rise of Neoliberal Economic Policies in Britain, France, Germany, and the United States. University of Chicago Press. p. 328. ISBN 9780226679020.
Quick, Katherine (2015). The French Economy: An Examination of Competition and Regulation. University Honors Theses. Paper 196. available at: https://doi.org/10.15760/honors.124.
Report for Selected Countries and Subject. International Monetary Fund.
Rosnick, David (2017). The French Economy, European Authorities, and the IMF: "Structural Reform" or Increasing Employment?. Center for Economic and Policy Research 1611 Connecticut Ave. NW Suite 400 Washington, DC 20009.
Sébastien, Jean, Perrot, Anne. & Philippon, Thomas. (2019). Competition and Trade: Which Policies for Europe?. In Notes du Conseil d'analyse économique,

Vol. 51, Issue 3, 2019, pages 1 to 12.
Shapley L.S. (1953). A Value for N-Person Games. in Kuhn H.W., Tucker A.W. (eds.) , Contributions to the Theory of Games. Vol. 2, pp. 307-317, Princeton University Press, Princeton.
Silva, Everton Almeida (2020). The German Hegemony in the European Union: European Economic Integration as an Asymmetric Regime. Brazilian Journal of International Relations, ISSN 2237-7743, Início,Arquivos, Vol. 9, No. 2.
Simon H.A. (1953). Notes on the Observation and the Measurement of Power. The Journal of Politics, Vol. 15, No. 4, pp. 500-516. November. Reprinted in Bell et al Political Power., p. 69.
Smith, Richard D (2010). The Role of Economic Power in Influencing the Development of Global Health Governance. Global Health Governance, Volume Iii, No. 2 (Spring 2010) available at: http://www.ghgj.org.
Smith, Richard D., (2009). Global Health Governance and Global Public Goods. In Making Sense of Global Health Governance - A Policy Perspective, Eds. Kent Buse, Wolfgang Hein, and Nick Drager (Basingstoke: Palgrave Macmillan, 2009).
Soltani, Farzad, Motaghi, Afshin & Mohammadjani, Mustafa. (2019). Studying the political-military strategy of France in the Indian Ocean. International Studies Quarterly, 16(4), 110-87.
Soltanifar, Ehsan, Aghazadeh, Hashem & Ansari, Manouchehr (2017). A Policy Analysis on the Environment for the Development of Commercial-Economic Cooperation between Iran and France. Quarterly Journal of Strategic Public Policy Studies, Vol. 8, No. 26, Spring 2017.
Taverdet-Popiolek, N. Economic Footprint of a Large French Research and Technology Organisation in Europe: Deciphering a Simplified Model and Appraising the Results. J Knowl Econ (2021). https://doi.org/10.1007/s13132-020-00709-2
Ulku H. (2004), R&D, Innovation, and Economic Growth: An Empirical Analysis. 'IMF Working Paper' 185, ISBN/ISSN: 9781451859447/1018-5941.
UNWTO Tourism Highlights 2014 Edition (PDF) (2014). Archived from the Original (PDF) on 17 December 2014.
Vértesy, László (2018). Macroeconomic Legal Trends in the EU11 Countries. Public Governance. Administration and Finances Law Review. 3 (1). Archived from the original.